

## مدخلی بر اصول سیاست اسلامی امام خمینی علیه السلام: رویکردی پژوهشی<sup>۱</sup>

زهرا فروتنی\*

### چکیده

انقلاب اسلامی با رهبری امام خمینی علیه السلام، با کسب استقلال بر محور مردم‌سالاری دینی شکل گرفت. یکی از زمینه‌های مهم مطالعاتی که مورد مطالبه رهبر انقلاب اسلامی است و به دلیل دامنه تأثیر آن از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است، تبیین اصول حاکم بر سیاست اسلامی امام خمینی علیه السلام است. نظر به اهمیت این موضوع، در پژوهش حاضر اصول حاکم بر سیاست اسلامی امام خمینی علیه السلام شناسایی، تبیین و تحلیل می‌شود. نوع تحقیق توصیفی-تحلیلی است. برای گردآوری داده‌ها از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شده و منبع مورد تحلیل ۲۲ جلد صحیفه امام است. بر اساس یافته‌های تحقیق، ۲۳ اصل از اصول سیاست اسلامی امام خمینی علیه السلام شناسایی و تبیین شد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که اصول و مبانی مبتنی بر آموزه‌ها و فرهنگ اسلامی، زیربنا و روح اصلی اصول سیاست امام خمینی علیه السلام است و لذا

۱. این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی با عنوان «اصول سیاست اسلامی امام خمینی علیه السلام» است که با حمایت دانشگاه پیام نور انجام شده است.

\*. استادیار گروه مدیریت دولتی دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول)، [foroutani.dr@gmail.com](mailto:foroutani.dr@gmail.com).

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۷/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۶/۲۵

می‌توان گفت اصول سیاست امام خمینی، مؤید این مطلب هستند که سیاست امام، عین دیانت امام است و در مکتب سیاسی امام، معنویت با سیاست و قدرت با اخلاق در هم تنیده است.

**کلیدواژگان:** امام خمینی<sup>ع</sup>، اصول، سیاست، سیاست اسلامی، اصول سیاست اسلامی

## مقدمه

اصول حاکم بر معادلات سیاسی موجود در جهان امروز که بر مبنای نگرش مادی نسبت به جهان و انسان تنظیم شده و هدف از آن حاکمیتی زورمدارانه بر بشر است، با توسعه روزافزون دین و دین‌خواهی انسان‌ها در سراسر جهان همخوانی نداشته و نتوانسته است نیازهای انسان را پاسخی شایسته دهد. از این رو بیش از هر زمان دیگر قاعده‌مند ساختن این معادلات سیاسی بر پایه دین و اخلاق دینی ضروری به نظر می‌رسد. دین اسلام به‌عنوان کامل‌ترین دین و توانمندترین نظام در اداره امور جاری بشر از زمان ظهورش، به تنظیم قوانین و سیاست‌های مورد نیاز در ابعاد مختلف زندگی پرداخته است. این قوانین در طی قرون و اعصار شکل تکاملی به خود گرفته و بر اساس اصول و قوانین عدم جدایی دین از سیاست، حاکمیت اخلاق دینی بر اخلاق سیاسی، هدف وسیله را توجیه نمی‌کند، حدود تنظیم روابط با کفار و نفی تساهل با آنان و ده‌ها اصل دیگری که مبنای تنظیم و تعیین سیاست داخلی و خارجی کارگزاران در نظام الهی است، شکل گرفته است (بروجردی، ۱۳۹۷: ۲۶۳). انقلاب اسلامی با رهبری امام خمینی<sup>ع</sup> و با کسب استقلال، بر محور دین، مردم‌سالاری دینی و رهایی از سلطه استعمار شکل گرفت. بی‌شک اصول اساسی برگرفته از آموزه‌های مکتب راستین اسلام، چراغ راه امام در سیاست و رهبری انقلاب اسلامی بود. به فرموده رهبر انقلاب: «امام این اصول را قبل از پیروزی انقلاب، برای ملت و آگاهان تشریح کرد. بعد از پیروزی انقلاب، بر اساس آن، جمهوری اسلامی را پایه‌گذاری نمود و تا وقتی که زنده بود، پای این اصول ایستاد و برای آن مجاهدت کرد. ... این اصول محور وحدت است ... هنر بزرگ امام بزرگوار ما این بود که [با این اصول] چهارچوب محکمی را

برای این انقلاب به وجود آورد و نگذاشت این انقلاب در هاضمه قدرت‌ها و جریان‌های سیاسی مسلط هضم شود» (بیانات امام خامنه‌ای ع‌ن‌و در مراسم سیزدهمین سالگرد رحلت امام خمینی ع، ۱۳۸۱/۳/۱۴). ایشان (۱۳۹۴) فرمودند آن راهی که می‌تواند مانع تحریف شخصیت و راه امام شود، بازخوانی اصول امام است و لذا در مراسم بیست‌وششمین سالگرد ارتحال امام خمینی ع، هفت اصل از اصول سیاست و رهبری امام را تبیین فرمود و از پژوهشگران خواست درباره سایر اصول امام مطالعه و تحقیق کنند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که تاکنون درباره این مقوله، پژوهش علمی و عمیق صورت نگرفته است. نظر به اهمیت موضوع و تأکید رهبر بر این امر، در تحقیق حاضر به صورت منسجم و با روش علمی تحلیل محتوای کیفی، اصول سیاست اسلامی امام خمینی ع شناسایی، تبیین و تحلیل می‌شود. به عبارت دیگر در این تحقیق به این سؤال پژوهشی پاسخ داده خواهد شد: اصول حاکم بر سیاست اسلامی امام خمینی ع کدام‌اند؟

## مبانی نظری

### سیاست

سیاست در لغت به معنای پاسداری ملک، نگه‌داری قدرت و حراست از کشور است، ولی نکته مهم آشنایی با اصولی است که تدبیر و پاسداری بر آن استوار است (سبحانی، ۱۳۸۰: ۳۱). دیدگاه‌های مختلف و متفاوتی درباره سیاست وجود دارد که عبارت‌اند از:

۱. برداشت واقع‌گرایانه یا سیاست قدرت‌محور: در این برداشت مهم‌ترین مسئله در سیاست حفظ قدرت است و مصلحت دولت از هر مصلحتی بالاتر است. در این برداشت سیاست ابزاری برای حفظ نظم، امنیت و جلوگیری از آشوب و هرج‌ومرج است. ریشه اندیشه واقع‌گرایی را می‌توان در تاریخ اندیشه سیاسی کهن در غرب و شرق جست‌وجو کرد. از مهم‌ترین نظریه‌پردازان واقع‌گرا می‌توان توسیدید، کاملیا، توماس هابز، ماکیاول و در قرن بیستم هانس مورگنتا، جورج کنان و هنری کیسنجر را می‌توان نام برد. ماکیاول از نظریه‌پردازان واقع‌گرایی است که معتقد است بین اخلاق سیاسی با اخلاق عمومی تفاوت

وجود دارد. به‌عنوان مثال آنچه از نظر اخلاق عمومی پسندیده است مثل وفای به عهد ممکن است از نظر اخلاق سیاسی پسندیده نباشد. از نظر ماکیاوول شهریار موظف است آشفتگی و هرج‌ومرج را به نظم و انتظام تبدیل کند. وی در کتاب خود با عنوان شهریار اضافه می‌کند: حاکم برای دستیابی به این اهداف مجاز است از زور، خشونت، فریب و نیرنگ بهره گیرد؛

۲. برداشت فلسفی و اخلاقی: از این دیدگاه سیاست و قدرت فی‌نفسه هدف نیست، بلکه ابزار و وسیله‌ای برای هدفی والاتر همچون خیر، سعادت و فضیلت همگانی است. افلاطون به‌عنوان یکی از فلاسفه یونان باستان که نگرشی فلسفی و اخلاقی به سیاست داشتند معتقد بود انسان‌ها به دنبال دو دسته از خیرات هستند: خیرات محدود؛ خیرات نامحدود. از نگاه افلاطون، قدرت و ثروت از خیرات محدودی بودند که انسان‌ها بر سر کسب آنها دائم در نزاع و کشمکش هستند که فرجام این درگیری‌ها شکل‌گیری حکومت‌های ضاله و جبار است. از زاویه‌ای دیگر افلاطون معرفت، زیبایی و فضیلت را در ردیف خیرات نامحدود می‌دانست که بر سر آنها نزاع و کشمکش نیست. وی نتیجه تلاش انسان‌ها برای کسب خیرات نامحدود را بسترساز شکل‌گیری مدینه فاضله می‌دانست. ارسطو نیز از فلاسفه یونان باستان بود که غایت سیاست را عدالت و فضیلت می‌دانست و معتقد بود بیشترین عدالت و فضیلت در حکومت را طبقه متوسط به دست خواهد آورد؛

۳. برداشت حقوقی: ریشه برداشت حقوقی به امپراتوری روم بازمی‌گردد. با گرایش کنستانتین، امپراتور روم، در ۳۱۳ میلادی به مسیحیت، حکام سیاسی داعیه هدایت نهادهای مذهبی را پیدا کردند. از آن مقطع کشمکش و دخالت سیاست در مذهب یا مذهب در سیاست به‌طور جدی مطرح شد؛ به‌طوری‌که در سراسر قرون وسطا بحث از حدود اختیارات حکام سیاسی و کلیسا بود. استمرار این بحث‌ها سبب طرح نظریه تفکیک قوا و به‌نوعی جدایی دین از سیاست پس از رنسانس شد. در حوزه تفکیک قوا، علاوه بر مونتسکیو که در کتاب روح القوانین به آن اشاره کرد، جان لاک، فیلسوف انگلیسی، نیز در کتاب دو رساله در باب حکومت ضمن تفکیک دو قوه قانون‌گذاری و اجرایی از هم، اعلام کرد هدف اصلی حکومت حراست از جان، مال و آزادی افراد است؛

۴. برداشت مدرن: در این برداشت علاوه بر کارویژه‌های اولیه سیاست که تأمین نظم و امنیت، دادگستری و دفاع خارجی بود، تأمین حداکثر شادی برای مردم و رفاه نیز از کارویژه‌های سیاست است. جرمی بنتام، نظریه‌پرداز اصلی چنین برداشتی، به مفاهیمی همچون حقوق طبیعی، قرارداد اجتماعی و رضایت عامه در اندیشه فلاسفه‌ای مانند لاک حمله‌ور شد و با بی‌اساس خواندن آنها، توجیه اصلی نهادهای حکومتی را در فواید آنها دانست. از نظر بنتام غایت سیاست و حکومت، تأمین امنیت جانی، مالی، فراوانی نعمت و برابری است. بدین ترتیب به نظر می‌رسد «دولت رفاه» ریشه در افکار بنتام دارد. «هانا رنت» فیلسوف آلمانی معتقد است در عصر مدرن سیاست و دولت کارویژه خانواده را پیدا کرده و از هدف اصلی خود یعنی تأمین حوزه عمومی برای کنش سیاسی آزاد دور افتاده است (جعفری، ۱۳۹۰: ۵).

#### اصول سیاست اسلامی

منظور از اصول سیاست اسلامی در این تحقیق، معیارهای ارزشی و اعتقادی و آموزه‌های دینی حاکم بر سیاست اسلامی است که مبین باید و نبایدها، اولویت‌ها، تقدم و تأخر موضوعات، سمت و سو و جهت‌گیری سیاست‌های کلی و معیارهای ارزشی حاکم بر تعیین چشم‌انداز، اهداف و راهبردهاست (فروتسی، ۱۳۸۷: ۱۶-۱۷). امام خمینی<sup>ع</sup> در تبیین معنای سیاست فرمودند: «سیاست به آن معنایی که اینها می‌گویند که دروغ‌گویی و چپاول مردم و با حيله و تزوير، تسلط بر اموال و نفوس مردم [است]، این سیاست هیچ ربطی به سیاست اسلامی ندارد. این سیاست شیطانی است» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ۲۶). امام معتقد بودند برقراری نظام سیاسی غیراسلامی به معنای بی‌اجرا ماندن نظام سیاسی اسلام است (بروجردی، ۱۳۹۷: ۲۶۳). آیت‌الله خامنه‌ای<sup>ع</sup> معتقدند:

مکتب سیاسی امام دارای شاخص‌هایی است. ... یکی از این خطوط این است که در مکتب سیاسی امام، معنویت با سیاست در هم تنیده است. ... همه رفتارها و همه مواضع امام حول محور خدا و معنویت دور می‌زد. امام به اراده تشریحی پروردگار اعتقاد و به اراده تکوینی او اعتماد داشت و می‌دانست کسی که در راه تحقق شریعت الهی حرکت می‌کند،

قوانین و سنت‌های آفرینش کمک‌کار اوست. او معتقد بود که: «ولله جنود السماوات والأرض وكان الله عزيزاً حكيماً». امام قوانین شریعت را بستر حرکت خود می‌دانست و علایم راهنمای حرکت خود به‌شمار می‌آورد. حرکت امام برای سعادت کشور و ملت، بر مبنای هدایت شریعت اسلامی بود. لذا «تکلیف الهی» برای امام کلید سعادت به حساب می‌آمد و او را به هدف‌های بزرگ آرمانی خود می‌رساند (بیانات امام خامنه‌ای عج در مراسم پانزدهمین سالگرد رحلت امام خمینی ره، ۱۴/۳/۱۳۸۳).

رهبر انقلاب معتقدند: «اصول این نظام، اصول انقلاب است؛ اصول تعیین شده به‌وسیله امام است؛ آن اصولی است که نظام جمهوری اسلامی را به‌عنوان نظام اسلامی در دنیا مشخص کرد و نشان داد». (بیانات امام خامنه‌ای عج در دیدار جمعی از فرماندهان سپاه و بسیج، ۲/۳/۱۳۷۲). ایشان (۱۳۹۰) «عقلانیت»، «معنویت» و «عدالت» را سه بعد اصلی مکتب سیاسی امام عنوان و تأکید کردند که همه اینها برگرفته از اسلام است. رهبر فرمودند: مکتب امام یک بسته کامل است؛ یک مجموعه است؛ دارای ابعاد است. این ابعاد را باید باهم دید (بیانات امام خامنه‌ای عج در مراسم بیست و یکمین سالگرد رحلت امام خمینی ره، ۱۴/۳/۱۳۹۰).

امام یک اصولی دارد؛ یک مبانی ای دارد. این مبانی در طول ده سال دوران حاکمیت اسلامی و پیش از آن در طول پانزده سال دوران نهضت، در بیانات گوناگون بیان شده است. اصول امام را در این بیانات می‌شود پیدا کرد. این اصول را، این خطوط را کنار هم که بگذاریم، یک شاکله‌ای از امام بزرگوار تشکیل خواهد شد. شخصیت امام این است. ... در طول سال‌های متمادی ... این اصول را امام در بیانات خود تکرار کرده است. این اصول را گزینشی هم نیابستی انتخاب کرد (بیانات امام خامنه‌ای عج در مراسم بیست و پنجمین سالگرد رحلت امام خمینی ره، ۱۴/۳/۱۳۹۴).

رهبر انقلاب هفت اصل از اصول حاکم بر سیاست و رهبری امام راحل را تبیین کردند. این اصول عبارت‌اند از: مردم‌سالاری دینی؛ عدالت اجتماعی و حمایت از محرومان؛ مستضعفان؛ اعتماد به صدق وعده و نصرت الهی و بی‌اعتمادی به قدرت‌های مستکبر؛

اعتقاد به اراده مردم و نیروی مردم و مخالفت با تمرکزهای دولتی؛ اثبات اسلام ناب محمدی ﷺ و نفی اسلام امریکایی؛ استقلال کشور و رد سلطه‌پذیری و اصل وحدت و اتحاد ملی؛ و فرمودند این اصول جزو مسلمات منطق امام و مکتب امام و راه امام و خط امام است. سپس فرمودند صاحب‌نظران و افرادی که می‌توانند و توانایی این کار را دارند، بروند دنبال کنند، بیانات امام را نگاه کنند و اصول امام را استخراج کنند (بیانات امام خامنه‌ای رحمته‌الله در مراسم بیست و پنجمین سالگرد رحلت امام خمینی رحمته‌الله، ۱۳۹۴/۳/۱۴).

### پیشینه تحقیق

مطالعه پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که بروجردی (۱۳۹۷) در مقاله خود با عنوان «اصول اخلاق سیاسی امام خمینی رحمته‌الله»، به اصول رابطه دین و سیاست، خداباوری، ظلم‌ستیزی، نفی سیل، امر به معروف و نهی از منکر، عزت‌جویی و تکریم مردم، حمایت از مستضعفان، مقابله با متحجرین و حفظ وحدت در بیانات امام پرداخته است.

همچنین فوزی تویسرکانی (۱۳۹۰) در کتاب خود با عنوان اندیشه سیاسی امام خمینی رحمته‌الله، مجموعه‌ای از آرا و اندیشه‌های امام را گردآوری کرده و به تأثیر تحولات دوران مختلف بر تکوین اندیشه سیاسی امام، مبانی نظری مؤثر بر اندیشه سیاسی امام، نقش معرفت‌شناسی، جهان‌بینی و انسان‌شناسی و مبانی کلامی شیعی به‌ویژه توحید و امامت و تأثیر مبانی فقهی امام خمینی رحمته‌الله همچون اجتهاد، حجیت عقل، نقش زمان و مکان در اجتهاد و جایگاه عقل و عرف و مصلحت و تأثیر آنها در اندیشه سیاسی امام پرداخته و همچنین مباحثی مثل رابطه دین و سیاست، حکومت اسلامی، ولایت فقیه، حد و حدود اختیارات ولی فقیه، جایگاه مصلحت، نقش مردم در حکومت اسلامی، جهت‌گیری‌ها و اهداف مهم حکومت اسلامی از دیدگاه امام خمینی رحمته‌الله همچون استقلال، آزادی، عدالت و احیای هویت انسانی را مطرح کرده است.

جمشیدی (۱۳۸۴) نیز در کتاب خود با عنوان اندیشه سیاسی امام خمینی رحمته‌الله شخصیت و آثار سیاسی، مبانی نظری اندیشه سیاسی امام خمینی رحمته‌الله، مبانی انسان‌شناختی و ارزشی، سیاست و دین در نگاه امام، مفاهیم بنیادین مثل آزادی، استقلال، عدالت، حق و قانون در

اندیشه سیاسی امام خمینی علیه السلام را بررسی کرده و به موضوعاتی مثل مبارزه، قیام و انقلاب، جامعه و دولت، حکومت و ولایت و نظریه ولایت فقیه پرداخته است.

دهشیری (۱۳۹۱) در کتابی با عنوان درآمدی بر نظریه سیاسی امام خمینی علیه السلام نظریه‌های سیاسی امام را در چهار حوزه نهضتی، دفاعی، مبانی سیاست حکومتی و سیاست خارجی بررسی کرده است.

نتایج تحقیق ایران‌نژاد و همکاران (۱۳۹۱) با عنوان عدالت اجتماعی در اندیشه سیاسی امام خمینی علیه السلام نشان می‌دهد که حضرت امام در سیره عملی خود نیز اهتمام خاصی به تحقق عدالت اجتماعی داشتند و ضمن رعایت آن در رفتارهای فردی و حکومتی خود، توجه به آن را یکی از مطالبات جدی و همیشگی خود از مسئولان حکومتی می‌دانستند.

نتایج تحقیقی با عنوان «اصول ثابت اندیشه سیاسی امام خمینی علیه السلام» مندرج در ماهنامه امید انقلاب (۱۳۸۵) نشان می‌دهد که اصول تکلیف، مصلحت اسلام و مسلمین، دعوت و گسترش اسلام، نفی سبیل، تقدم اهم بر مهم، عدالت و توجه به مقتضیات زمان و مکان، جزو اصول ثابت حاکم بر اندیشه سیاسی امام خمینی علیه السلام هستند.

وانسا مارتین<sup>۱</sup> (۲۰۰۷) در کتابی با عنوان: *Creating An Islamic State: Khomeini and the Making of a New Iran* "ریشه‌های ایدئولوژیک دولت اسلامی را از دیدگاه امام خمینی علیه السلام و اکاوی و تأثیرگذاری دیدگاه‌های ایشان بر انگاره‌های گوناگون، در دو عرصه درونی و بین‌المللی به‌خصوص در حوزه ایدئولوژیک را بررسی کرده است.

امامی و همکاران (۲۰۱۴) در تحقیق خود با عنوان *Islamic Republic of Iran's Soft Power based on Quranic Teachings and Imam Khomeini's Discourse* "به این نتیجه رسیدند که قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران مؤلفه اصلی بقای نظام در عرصه بین‌المللی است؛ قدرت نرمی که در نظریه مردم‌سالاری دینی مطرح می‌شود و شاخص‌هایی مانند رد سلطه درونی، رد سلطه بیرونی، استقلال‌خواهی و وابستگی به

---

1. Vanessa Martin.



ارزش‌های شهادت و عدالت را دربرمی‌گیرد. مبنای این قدرت نرم از آموزه‌های قرآن، هنجارهای بنیادین، قدرت اخلاقی و قدرت نرم الهی ریشه می‌گیرد. در این پژوهش، منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه بقای نظام در سه بخش آموزه‌های قرآنی، گفتمان امام خمینی علیه السلام و مردم‌سالاری دینی واکاوی می‌شوند.

بررسی‌های بیشتر در پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که آثار موجود، بیشتر به اندیشه سیاسی امام در حوزه فلسفه سیاسی، فقه سیاسی و اخلاق سیاسی و سیاست خارجی پرداخته‌اند و به اصول سیاست اسلامی امام به‌صورت محدود، گذرا و گزینشی پرداخته شده و لذا جای خالی پژوهشی روشمند و علمی در این زمینه کاملاً احساس می‌شود. همچنین مطالعات انجام‌شده، به‌صورت جمع‌آوری و توصیفی‌اند و نگاهی روشمند و بر اساس اسلوب‌های علمی به این حوزه نداشته‌اند. با توجه به خلأ موجود و با عنایت به تأکید مقام معظم رهبری در خصوص تحقیق در زمینه اصول امام، در تحقیق حاضر، با روش علمی تحلیل محتوا در ۲۲ جلد صحیفه امام، اصول حاکم بر سیاست اسلامی امام خمینی علیه السلام شناسایی، تبیین و تحلیل می‌شود.

## روش پژوهش

هدف از این پژوهش، شناسایی، تبیین و تحلیل اصول حاکم بر سیاست اسلامی امام خمینی علیه السلام است. این پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی است که برای اجرای آن از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است. روش تحلیل محتوای یکی از روش‌های مهم تحقیق در علوم انسانی و اجتماعی است. در تحلیل محتوا عناصر و مقولات مورد نظر، گردآوری و طبقه‌بندی می‌شوند و مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند. این عناصر ممکن است کلمه، جمله، موضوع، پاراگراف یا متن‌های کامل در آثار مکتوب یا شفاهی باشند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۶۵). تحلیل محتوای کیفی به پژوهشگران اجازه می‌دهد که اصالت و حقیقت داده‌ها را به گونه ذهنی ولی با روش علمی تفسیر کنند. تحلیل محتوای کیفی خود شامل سه نوع تحلیل عرفی، جهت‌دار و تلخیصی می‌شود که تفاوت این سه رویکرد تحلیل محتوا، در طرح‌ریزی ابتدایی جهت رمزگذاری است. اعتبار نتایج، به‌وسیله وجود فرایند

رمزبندی نظام‌مند تضمین می‌شود. قابلیت اعتماد در پژوهش‌های حاصل از تحلیل محتوا در ایجاد طرح‌ریزی خوب جهت رمزگذاری است و قابلیت اعتبار به تمرکز روی تحقیق و اطمینان از این موضوع که داده‌ها و فرایند تحلیل به خوبی در جست‌وجوی این موضوع‌اند وابسته است. موضوع مهم دیگری که موجب افزایش قابلیت اعتبار در تحقیقات می‌شود، انتخاب واحد معناست که باید دقیق و مناسب باشد (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰: ۱۵-۴۴). در این تحقیق از نوع تحلیل محتوای عرفی استفاده شده است. در تحلیل محتوای عرفی، مقوله‌ها از داده‌ها هم‌زمان با تحلیل محتوای متن حاصل می‌شوند. واحد تحلیل در تحقیق حاضر، جملات و مقوله‌های مرتبط با اصول امام در متن صحیفه امام است. در این تحقیق آن دسته از اصول امام که در کلام و سیره ایشان مکرر تکرار شده، با استفاده از تحلیل محتوای کلام امام کدگذاری، استخراج و تبیین شدند. متن و محتوای مورد تحلیل در این تحقیق، بیانات مکتوب امام خمینی علیه السلام در ۲۲ جلد صحیفه امام است. متن مورد نظر مطالعه و مقوله‌های مرتبط با اصول سیاست اسلامی امام از آن استخراج و کدگذاری و سپس طبقه‌بندی و پردازش، تحلیل و استنتاج شدند. سرانجام بر اساس یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق، به سؤال تحقیق پاسخ داده شد.

### یافته‌های پژوهش

اصول سیاست اسلامی مستخرج از متن کلام امام خمینی علیه السلام ۳۴ مورد بود که دسته‌بندی و ادغام شدند. این اصول در جدول ۱ مشاهده می‌شود.

جدول ۱: اصول سیاست اسلامی امام خمینی علیه السلام

۱	عمل به تکلیف الهی با اعتقاد به احدی‌الحسنین	۱۳	عقلانیت و مصلحت اسلام و مسلمین
۲	انکال به خدا و اعتماد به نصرت الهی	۱۴	مردم‌سالاری دینی و تکریم و خدمت به مردم
۳	حفظ اتحاد و برادری با مسلمانان	۱۵	صدور انقلاب برای بیداری اسلامی و گسترش اسلام
۴	حفظ اسلام و تحقق فقه عملی اسلام	۱۶	روشنگری، تنویر افکار عمومی و بیداری ملت‌ها

۵	اعتقاد عملی به اسلام ناب محمدی و نفی اسلام امریکایی	۱۷	قاطعیت در دفاع از اصول و آرمان‌ها
۶	قیام برای خدا و معنویت و اخلاص در عمل	۱۸	استقامت و پایداری و سازش ناپذیری
۷	عدالت اجتماعی	۱۹	خودباوری و خودکفایی و قطع وابستگی
۸	نفی ستمگری و ستم‌پذیری (نفی رابطه ظالمانه و ایجاد رابطه انسانی)	۲۰	خودسازی و تهذیب نفس و امر به معروف و نهی از منکر
۹	استکبارستیزی و نفی سلطه بیگانه و دفاع از حقوق مظلومان و مستضعفان (عزت‌جویی و ذلت‌ناپذیری)	۲۱	قانون‌گرایی و پایبندی به تعهدات و قراردادهای
۱۰	حفظ استقلال و آزادی و عدم وابستگی به شرق و غرب	۲۲	تبدیل تهدید به فرصت
۱۱	پیوند دین و سیاست و پاسداری از ارزش‌ها	۲۳	مشاوره
۱۲	آرمان‌گرایی واقع‌بینانه و تقدم اهم بر مهم (آرمان‌خواهی توأم با موقعیت‌شناسی و توجه به مقتضیات زمان و مکان)		

### تحلیل اصول سیاست اسلامی امام خمینی

در این بخش از نوشتار ضمن تبیین و تحلیل اصول سیاست اسلامی حضرت امام خمینی، برای رعایت اختصار صرفاً به بیان فراهایی از کلام امام در هر موضوع اکتفا می‌شود.

۱. عمل به تکلیف الهی با اعتقاد به احدی‌الحسنین: منظور از تکلیف، انجام دادن وظیفه بر اساس دستور الهی است. تکلیف‌گرایی به‌عنوان یک اصل ثابت، جایگاه مهمی در اصول سیاسی امام خمینی دارد. ایشان درباره قیام خود فرمودند:

اشخاص زیادی می‌گفتند از خود ما هم... که این امر نشدنی است و نمی‌شود که با دست خالی در مقابل یک همچو قدرتی قیام کرد... به ایشان گفتم که... ما به شرط غلبه قیام نمی‌کنیم. ما می‌خواهیم یک تکلیفی ادا بکنیم. اگر غالب شدیم که نتیجه هم به دست آمده و چنانچه غالب نشدیم و کشته شدیم... ما مکلفیم که در مقابل همچو ظلمی که در آستانه این است که اسلام را وارونه کند... بایستیم (موسوی خمینی، ۱۳۷۹ ج ۱۳: ۱۳۸).

تکلیف ما این است که با ظلم‌ها مبارزه کنیم. ... اگر توانستیم، آنها را به عقب برانیم و اگر نتوانستیم، به تکلیف خودمان عمل کردیم (همان، ج ۱۲: ۳۰۶).

همه ما مأمور به ادای تکلیف و وظیفه‌ایم، نه مأمور به نتیجه (همان، ج ۲۱: ۲۸۴).

به فرموده رهبر انقلاب اینکه امام فرمودند ما برای تکلیف عمل می‌کنیم، نه برای پیروزی، به معنای بی‌رغبتی ایشان به پیروزی نبود. بدون تردید پیروزی در همه هدف‌های بزرگ، آرزوی امام بود. ... اما آنچه او را به سوی آن هدف‌ها پیش می‌برد، تکلیف و عمل به وظیفه الهی بود؛ برای خدا حرکت کردن بود (بیانات امام خامنه‌ای دامنه‌ای، در مراسم پانزدهمین سالگرد رحلت امام خمینی ره، ۱۴/۳/۱۳۸۳).

۲. اتکال به خدا و اعتماد به نصرت الهی: اتکال به خداوند متعال و اطمینان و اعتماد قلبی به نصرت حق تعالی که ویژگی بارز متوکلین علی الله است، موجب اطمینان قلبی امام شده و عزم او را برای رهبری انقلاب اسلامی و مقاومت در این راه جزم و استوار ساخته بود. امام فرمودند:

قدرت خدا فوق همه قدرت‌هاست. ... ما از هیچ چیز نمی‌ترسیم وقتی که با خدا باشیم (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۶: ۱۸۰).

ما خدا را داریم، در دنیا به روی ما بسته شود، در رحمت خدا به روی ما باز است. ... ما اتکال به رحمت خدا و اتکال به قدرت خدا می‌کنیم (همان، ج ۱۱: ۳۵۷-۳۵۸). اتکای خودتان را به خدای تبارک و تعالی قوی کنید که نصر و نصرت بدون اتکا به او حاصل نمی‌شود (همان، ج ۲۰: ۷۷).

با اتکا به قدرت ازلی ... می‌توان به هر مشکلی غلبه کرد (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۸: ۴۷۰).

خداوند! ... در جهان ظلم و ستم و بیداد، همه تکیه‌گاه ما تویی و ما تنهای تنهایییم و غیر از تو کسی را نمی‌شناسیم و غیر از تو نخواسته‌ایم که کسی را بشناسیم. ... (همان، ج ۲۱: ۹۵).

«اعتقاد به وعده الهی، به صدق وعده الهی که فرموده است "إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ"

یکی از ارکان تفکر امام بزرگوار ماست» (بیانات امام خامنه‌ای دامنه‌ای، در مراسم بیست و پنجمین سالگرد رحلت امام خمینی ره، ۱۴/۳/۱۳۹۴).

امام فرمودند:

اگر چنانچه این معنا در قلب ما واقع شده باشد که نصرت کشور اسلامی، نصرت خداست و نصرت بندگان خدا، نصرت خداست، نصرت مظلومان، نصرت خداست، این معنا اگر در قلب ما محکم شود، از هیچ چیز نباید بترسیم (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۹: ۲۰۹).

وقتی که برای خدا و برای رضای او کار بکنید، مطمئن باشید که خداوند هم هدایت می‌کند شما را به راه رسیدن به مقصد، و هم با شما اعانت می‌کند و همراهی می‌کند (موسوی خمینی، ۱۳۹۱: ۵۹۸).

هر چه هست اوست. هی نگویید که فلان این کار را کرد. خیر، اینها حرف است. ... مبدأ مطلب را پیدا بکنید (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۲: ۵۱۱).

این پیروزی ارتباط به من نداشت. ... این پیروزی مربوط به خدا بود. ... من همان وقت مطمئن شدم به اینکه مسئله، مسئله بشری نیست (همان، ج ۷: ۳۹۷).

به فرموده رهبر (بیانات امام خامنه‌ای دامت‌تعالی‌عنه در مراسم پانزدهمین سالگرد رحلت امام خمینی علیه‌السلام، ۱۳۸۳/۳/۱۴)، امام به اراده تشریحی پروردگار اعتقاد و به اراده تکوینی او اعتماد داشتند و می‌دانستند کسی که در راه تحقق شریعت الهی حرکت می‌کند، قوانین و سنت‌های آفرینش کمک‌کار اوست. ایشان معتقد بودند: «ولله جنود السماوات والأرض وکان الله عزیزاً حکیماً».

۳. اتحاد و برادری با مسلمانان: به حکم آیه «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران: ۱۰۳)، اتحاد نعمت بزرگ الهی و تفرقه بستر دشمنی‌هاست. از نقشه‌های شوم استعمارگران تلاش برای حاکمیت خود در پرتو عمل به اصل «تفرقه بینداز و حکومت کن» است. امام همواره برای نجات امت اسلامی از افتادن به دام استعمارگران، آنها را از تفرقه برحذر می‌داشتند و به وحدت و اتحاد دعوت می‌کردند (بروجردی، ۱۳۹۷)؛ چنان‌که فرمودند: «مسلمین باید باهم ید واحده باشند...؛ مرزها را اسباب جدایی ملت‌ها ندانند» (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۱: ۱۰۵)؛ «هان ای مسلمانان جهان و مستضعفان تحت سلطه ستمگران، به پا خیزید و دست اتحاد به هم دهید و از اسلام و مقدرات خود دفاع

کنید و از هیاهوی قدرتمندان نه‌راسید» (همان، ج ۱۵: ۱۷۱). حضرت امام مکرر خطر ملی‌گرایی و گرایش‌های ناسیونالیستی را گوشزد کرده، آن را عامل تفرقه و جدایی بین ملت‌ها و سدی برای پیشرفت اسلام دانسته‌اند: «این ملی‌گرایی اساس بدبختی مسلمین است. برای این است که این ملی‌گرایی ملت ایران را در مقابل سایر ملت‌های مسلمین قرار می‌دهد و ملت عراق را در مقابل دیگران و ملت کذا در مقابل کذا. اینها نقشه‌هایی است که مستکبرین کشیدند که مسلمین باهم مجتمع نباشند» (همان، ج ۲۱: ۴۰۲). امام حتی تشکیل حکومت را برای حفظ نظام و وحدت مسلمین می‌دانستند (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ۳۰-۳۱) و لذا می‌فرمودند:

عزیزان من، پیش من رهبری مطرح نیست؛ برادری مطرح است. خدای تبارک‌وتعالی در قرآن کریم ما را برادر خوانده است: «أَتَمَّا الْمُسْلِمُونَ آخُوهُ»<sup>۱</sup> (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۱: ۳۵۲).

اسلام... در بین مسلمین اخوت را سفارش فرموده... ما باید باهم برادر باشیم... در مقابل کفار بایستیم، نه اینکه ما در مقابل مسلمین بایستیم (همان، ج ۱۶: ۴۰۵). اگر مسلمانان به دستورات اسلامی رفتار کنند و وحدت کلمه خود را حفظ نمایند و از اختلاف و تنازع که مایه شکست آنهاست، دست بکشند... از تجاوز دشمنان اسلام و جهان‌خواران مصون خواهند شد... (همان، ج ۱۷: ۳۲۳).

#### ۴. حفظ اسلام و تحقق فقه عملی اسلام: حضرت امام بارها تأکید کردند:

ما مکلف هستیم که اسلام را حفظ کنیم. این تکلیف از واجبات مهم است؛ حتی از نماز و روزه واجب‌تر است. همین تکلیف است که ایجاب می‌کند خون‌ها در انجام آن ریخته شود. از خون امام حسین علیه السلام که بالاتر نبود؛ برای اسلام ریخته شد (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ۵۱).

مسئله، مسئله اسلام است (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲۰: ۸۰).

ما می‌خواهیم حفظ اسلام کنیم (همان: ۵۷).

ما دفاع از اسلام می‌کنیم (همان، ج ۱۹: ۲۳۱).

ما می‌خواهیم اسلام عزیز را که همه‌چیز درش هست، استقلال درش هست، آزادی درش هست، شرافت درش هست، می‌خواهیم این را حفظش کنیم (همان، ج ۱۳: ۳۰۸).

همه می‌دانند که تحمل هشت سال فشار و سختی فقط برای اسلام عزیز بوده است (همان، ج ۲۱: ۳۲۶).

امروز هم اسلام امانتی است در دست همه ما که باید به اندازه توان خودمان خدمتگذار به اسلام باشیم و حفظ کنیم کیان اسلام را (همان، ج ۱۴: ۵۰۲).

درباره عزل آقای منتظری از قائم‌مقام رهبری فرمودند: «از آنجا که روشن شده است که شما این کشور و انقلاب اسلامی عزیز مردم مسلمان را پس از من به دست لیبرال‌ها و از کانال آنها به منافقین می‌سپارید، صلاحیت و مشروعیت رهبری آینده نظام را از دست داده‌اید» (همان، ج ۲۱: ۳۲۰). «وظیفه شرعی اقتضا می‌کرد تا تصمیم لازم را برای حفظ نظام و اسلام بگیرد. ... دفاع از اسلام و نظام شوخی‌بردار نیست» (همان: ۳۵۰). امام درباره تحقق فقه عملی اسلام فرمودند: «ما باید بدون توجه به غرب حیل‌گر و شرق متجاوز و فارغ از دیپلماسی حاکم بر جهان، درصدد تحقق فقه عملی اسلام برآییم. ... حوزه‌ها و روحانیت باید نبض تفکر و نیاز آینده جامعه خود را همیشه در دست داشته باشند و همواره چند قدم جلوتر از حوادث، مهبای عکس‌العمل مناسب باشند» (همان: ۲۹۲). «باید قرآن در همه شئون وارد بشود...، لکن بعضش باشد و بعض نباشد، اشکال است» (همان، ج ۱۶: ۳۹).

#### ۵. اعتقاد عملی به اسلام ناب محمدی و نفی اسلام امریکایی:

دوگانه اسلام ناب-اسلام امریکایی، به‌مثابه یک ایده محوری و به‌نوعی همزاد تاریخی و معرفتی انقلاب اسلامی است. ... امام خمینی<sup>ع</sup> تلاش می‌کنند بر اساس این دوگانه، منظومه نظری منسجمی را بازتولید و آن را در حوزه‌های مختلف مرتبط با انقلاب اسلامی، مانند فهم ماهیت انقلاب اسلامی، تحلیل چالش‌های فراروی انقلاب، سیاست‌های داخلی، اقتصادی و فرهنگی نظام جمهوری اسلامی و همچنین سیاست‌های نهادهای حاکمیتی و انقلاب اسلامی، تئوریزه کنند (بی‌نام: ۱۳۹۳).

## رهبر انقلاب فرمودند:

اولین مطلبی که در [مکتب] امام وجود دارد، اثبات اسلام ناب محمدی و نفی اسلام امریکایی است. امام اسلام ناب را در مقابل اسلام امریکایی قرار داد. ... اسلام امریکایی ... دو شاخه بیشتر ندارد: یکی اسلام سکولار، یکی اسلام متحجر. ... اسلام ناب از نظر امام بزرگوار، آن اسلام متکی به کتاب و سنت است که با فکر روشن، با آشنایی با زمان و مکان، با شیوه و متد علمی جاافتاده و تکمیل شده در حوزه‌های علمیه استنباط می‌شود و به دست می‌آید (بیانات امام خامنه‌ای ع در مراسم بیست و ششمین سالگرد رحلت امام خمینی ع، ۱۳۹۴/۳/۱۴).

اسلام امریکایی فقط آن نیست که امریکاپسند باشد، بلکه اسلام امریکایی هر چیزی است که خارج از این اسلام ناب است (بیانات امام خامنه‌ای ع در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۸/۷/۲).

همان اسلام تشریفاتی، اسلام بی تفاوتی در برابر ظلم و زیاده‌خواهی و اسلام همراهی و کمک به زورگویان است (بیانات امام خامنه‌ای ع در مراسم بیست و یکمین سالگرد رحلت امام خمینی ع، ۱۳۸۹/۳/۱۴).  
از دیدگاه امام، اسلام امریکایی دو نوع عمده دارد: نوع لائیک و غرب‌گرا و نوع متحجر و خشن (بیانات امام خامنه‌ای ع، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴).

امام در منشور روحانیت خطر متحجرین مقدس‌نما را چنین گوشزد می‌کنند: «در حوزه‌های علمیه هستند افرادی که علیه انقلاب و اسلام ناب محمدی فعالیت دارند. امروز عده‌ای با ژست تقدس‌مآبی چنان تیشه به ریشه دین و انقلاب و نظام می‌زنند که گویی وظیفه‌ای غیر از این ندارند. ... اینها مروج اسلام امریکایی‌اند و دشمن رسول‌الله» (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲۱: ۲۷۸). امام در نامه خود به گورباچف فرمودند: «مذهبی که وسیله شود تا سرمایه‌های مادی و معنوی کشورهای اسلامی و غیراسلامی در اختیار ابرقدرت‌ها و قدرت‌ها قرار گیرد و بر سر مردم فریاد کشد که دین از سیاست جداست، مخدر جامعه است؛ ولی این دیگر مذهب واقعی نیست، بلکه مذهبی است که مردم ما آن را مذهب امریکایی می‌نامند» (همان: ۲۲۰-۲۲۱).

۶. قیام برای خدا، معنویت و اخلاص عمل: امام بارها فرمودند:



برای خدا قیام کنید: «اتما اعظمک بواحدہ ان تقوموا لله...». همه چیز در قیام‌الله است (همان، ج ۱۸: ۱۲۶).

قیامت‌ان برای خدا باشد؛ اعمال‌تان برای خدا باشد (همان، ج ۶: ۱۰۶).  
انگیزه‌ها، انگیزه‌های الهی باشد؛ ... برای کشورگشایی نباشد، برای سلطه نباشد، برای دنیا نباشد (همان، ج ۲۰: ۲۰۵).

ما برای خدا داریم عمل می‌کنیم (همان، ج ۱۳: ۳۱۵).  
کوشش کنید معنویات‌تان بر مادیات غلبه کند (همان، ج ۱۰: ۲۴۵).  
آن چیزی که حجم عمل را زیاد می‌کند ولو حجم مادی‌اش کم باشد، آن لله بودن و اخلاص عمل است (همان: ۲۴۵).

لذا می‌فرمودند: «کوشش کنید که کارهایتان کارهای الهی باشد؛ برای خودنمایی نباشد که دیگران از شما تعریف کنند...؛ برای خدا باشد» (همان، ج ۱۲: ۶۱). «مسلماً مادامی که نیت ما خالص است و برای خداست، خدای تبارک و تعالی با ماست و پیروز خواهیم شد» (موسوی خمینی، ۱۳۹۱: ۵۹۲).

این نگرش حضرت امام به زندگی و مبارزه در همه زوایای زندگی و دیدگاه‌های آن حضرت متجلی است (بروجردی، ۱۳۹۷: ۵). «در مکتب سیاسی امام، معنویت با سیاست در هم تنیده است...؛ حتی در مبارزات سیاسی، کانون اصلی در رفتار امام، معنویت او بود. همه رفتارها و همه مواضع امام حول محور خدا و معنویت دور می‌زد» (بیانات امام خامنه‌ای دامت‌السلام در پانزدهمین سالگرد رحلت امام خمینی علیه‌السلام، ۱۳۸۳/۳/۱۴).

۷. عدالت اجتماعی: قرآن کریم استقرار و گسترش عدالت را یکی از دو اصل اساسی و یکی از مهم‌ترین اهداف بعثت انبیا دانسته و آن را زیباترین خصلت انسان معرفی کرده است (مسعودپور، ۱۳۸۶، ج ۲: ۱۴۱-۱۴۲). در اندیشه شیعه، عدل یکی از اصول پنج‌گانه اعتقادی است. در جمهوری اسلامی، به‌عنوان نظامی که قدرت و حاکمیت خود را منتسب به خدا می‌داند، عدالت نقش مهمی دارد. امام عدالت را جزو شرایط ولی فقیه می‌دانستند: «زاممدار بایستی از کمال اعتقادی و اخلاقی برخوردار و عادل باشد» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ۳۸). «بعد عدالت در مکتب سیاسی امام بسیار برجسته است؛ به‌طوری‌که از اول

انقلاب به مسئولین اصرار داشتند که به طبقات محروم برسند و از اشرافیگری بپرهیزند» (بیانات امام خامنه‌ای دامنه‌السلام در بیست و دومین سالگرد رحلت امام خمینی علیه‌السلام، ۱۳۹۰/۳/۱۴). امام معتقد بودند: «عهده‌دار شدن حکومت فی حد ذاته، شأن و مقامی نیست؛ بلکه وسیله انجام وظیفه برای اجرای احکام و برقراری نظام عادلانه اسلام است» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ۴۱) و فرمودند: «حکومت‌های اسلامی حکومت‌های عدالت است. برای عدالت آمده‌اند. حکومت‌ها نیامدند که به مردم بزرگی بفروشند» (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۱: ۲۶۵)؛ «قرآن... یک بُعدش این است که ظلم را از بین ببرد و عدالت اجتماعی را در بشر ایجاد کند» (همان، ج ۱۷: ۴۳۴). براین اساس بارها خطاب به مسئولان فرمودند: «عدالت را اجرا کنید. عدالت را برای دیگران نخواهید؛ برای خودتان هم بخواهید. در رفتار عدالت داشته باشید؛ در گفتار عدالت داشته باشید» (همان، ج ۱۹: ۳۷۷).

۸. نفی ستمگری و ستم‌پذیری (نفی رابطه ظالمانه و ایجاد رابطه انسانی): امام بر اساس اصل قرآنی «لا تظلمون ولا تظلمون» (بقره: ۲۷۶) در عین ظلم‌ستیزی، مخالف ظلم کردن بودند؛ چنان‌که فرمودند:

ملت اسلام پیرو مکتبی است که برنامه آن مکتب خلاصه می‌شود، در دو کلمه: «لا تظلمون ولا تظلمون». ... ما تحت رهبری پیغمبر اسلام این دو کلمه را می‌خواهیم اجرا کنیم؛ نه ظالم باشیم و نه مظلوم (موسوی خمینی، همان، ج ۱۴: ۸۱-۸۲).  
اسلام اجازه نمی‌دهد که ما تعدی بکنیم به یک کشوری، لکن فرموده است که اگر به شما تعدی کردند، بزنی توی دهانشان (موسوی خمینی، همان، ج ۵: ۱۱۸).  
نه تحمل ظلم بکن و نه ظالم باش. برنامه کلی تشیع و اسلام همین است (همان: ۵۳۳).

امام معتقد بودند رابطه با دیگر کشورها باید انسانی و توأم با احترام متقابل و حفظ منافع ملی باشد و لذا فرمودند: «ما می‌خواهیم چه کنیم؟ روابط داشته باشیم با آنهایی که می‌خواهند ما را بچاپند؟» (همان، ج ۱۲: ۳۷۹). «بینیم آیا رابطه ما رابطه یک مظلوم با یک ظالم، یا قلدر با یک مستضعف است. نه، ما دیگر رابطه‌ای نداریم و اگر روابط انسانی است، روابط انسانی با هیچ‌جا مانعی ندارد و ما با ملت‌ها خوب هستیم» (همان، ج ۱۱: ۱۵).

۹. استکبارستیزی و نفی سلطه بیگانه و دفاع از حقوق مظلومان و مستضعفان (عزت جویی و ذلت‌ناپذیری): برتری جویی و توسعه‌طلبی نفسانی و مادی در زمین، استکبار است (مسعودپور، ۱۳۸۶، ج ۲: ۴۴۰). پذیرش قدرت و فرمانروایی بیگانه بر ملت را سلطه گویند. رابطه با بیگانه نباید به قیمت پذیرش سلطه آنها تمام شود. سلطه و حاکمیت بر مسلمانان باید از طرف خدا باشد و مؤمنان بر اساس قاعده قرآنی «نفی سبیل»، حق پذیرفتن سلطه کافران را ندارند (همان: ۴۶۴-۴۷۹)؛ چنان‌که در اصول ۱۵۲ و ۱۵۳ قانون اساسی نیز به آن اشاره شده است. امام خمینی<sup>ع</sup> نیز مفاد قاعده نفی سبیل را نفی سلطه کفار و بیگانگان بر امت اسلامی دانستند (موسوی خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۲: ۷۲۰-۷۲۷) و به شدت با سلطه بیگانه مقابله کردند و فرمودند: «بایستید در مقابل ابرقدرت‌ها که به شما می‌خواهند حکومت کنند» (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۶: ۳۸). امام از دیگر ملت‌ها نیز خواستند با الهام‌گیری از ملت ایران، در برابر دشمنان اسلام بایستند (همان، ج ۲۱: ۳۱۶) و فرمودند: قرآن می‌گوید هرگز خدای تبارک و تعالی سلطه‌ای برای غیرمُسلم بر مُسلم قرار نداده است، و در راستای این اصل، آن دسته از مسئولان مسلمانی را که به نفع کفار کار و راه تسلط آنها بر مسلمانان را هموار می‌کنند خائن دانستند (رضایی و هاشمی، ۱۳۹۱).

از اصول بارز امام که تربیت‌یافته مکتب حسینی است، دفاع از مظلومان و مستضعفان به معنای اعم کلمه یعنی مستضعفان فرهنگی، سیاسی و به‌ویژه اقتصادی است؛ چنان‌که فرمودند: «ما وظیفه داریم مردم مظلوم و محروم را نجات دهیم؛ ما وظیفه داریم پشتیبان مظلومین و دشمن ظالمین باشیم» (موسوی خمینی، ۱۳۸۶ الف: ۱۴۲). «ما باید تمام تلاشمان را بنماییم تا به هر صورت ممکن خط اصولی دفاع از مستضعفین را حفظ کنیم.» (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲۱: ۸۶-۸۷). این حمایت امام منحصر به مستضعفان داخلی نبود، بلکه شامل همه انسان‌هایی بود که در دنیا به‌نحوی مورد استضعاف قرار گرفته بودند: «ما باید در ارتباط با مردم جهان و رسیدگی به مشکلات و مسائل مسلمانان و حمایت از مبارزان و... محرومان با تمام وجود تلاش نماییم. ما اعلام می‌کنیم که جمهوری اسلامی ایران برای همیشه حامی و پناهگاه مسلمانان آزاده جهان است» (همان: ۹۱). اصولاً اسلام

مرز نمی‌شناسد. هر جا که مستضعفی هست، تکلیف مبارزه هم هست (مسعودپور، ۱۳۸۶، ج ۲: ۴۷۴). امام با اقتدا به مولایشان ابوالفضل العباسی علیه السلام فرمودند:

مردم ما دیگر به هیچ وجه حاضر نیستند. تن به خواری و ذلت دهند و مرگ سرخ را به زندگی ننگین ترجیح می‌دهند (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۳: ۲۱۳).

ما ذلت را نخواهیم پذیرفت، برای اینکه یک رابطه با یک ابرقدرت داشته باشیم. شرافتی نیست رابطه داشتن با امریکا. ... بهتر این است با آنهایی که می‌خواهند ما را بچاپند رابطه نداشته باشیم تا یک وقتی که به خود بیایند (همان، ج ۱۱: ۳۰۳). امریکا از آن طرف دریاها نشسته، فرمان می‌دهد بر حکومت‌های قلدری، همه فرمان می‌برند. حکومت ایران... هیچ به او اعتنا نمی‌کند (همان، ج ۱۸: ۳۰-۳۲).

۱۰. حفظ استقلال و آزادی و عدم وابستگی به شرق و غرب: استقلال و آزادی از اصلی‌ترین آرمان‌ها و اصول امام و انقلاب بود که در شعار معروف «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» تجلی یافته بود و پس از پیروزی انقلاب در اصل نه قانون اساسی متبلور شد. امام خمینی علیه السلام از ابتدا حکومت اسلامی و کشور ایران را دولت و کشوری مستقل از دو ابرقدرت معرفی کردند:

ما با هیچ کدام از ابرقدرت‌ها سر سازش نداریم؛ نه تحت سلطه امریکا می‌رویم و نه زیر بار شوروی. ما مسلمانیم و می‌خواهیم آزاد زندگی کنیم (همان، ج ۱۵: ۳۳۹). مقصد ما و مقصد ملت ما، آزادی از چنگال دشمنان اسلام است و مقصد و مقصود ما، استقلال کشور اسلامی است (همان، ج ۱۶: ۱۳۰).

فرزندان بسیجی‌ام در این دو مرکز، پاسدار اصول تغییرناپذیر نه شرقی و نه غربی باشند (همان، ج ۲۱: ۱۹۵).

«در اندیشه سیاسی امام، آزادی حقی است الهی و ذاتی انسان...؛ به گونه‌ای که ایشان در گفتارها و نوشتارهای خود بالغ بر سیصد مرتبه به این واژه به طور مستقیم اشاره کرده‌اند» (فدوی بنده قرآنی و تقی‌زاده، ۱۳۹۱: ۳۲-۳۴).

۱۱. پیوند دین و سیاست و پاسداری از ارزش‌ها با تشکیل حکومت اسلامی: حضرت امام بارها بر پیوند دین و سیاست تأکید داشتند: «دین از سیاست جدا نیست. ... اسلام سیاستش با سایر احکامش باهم هستند» (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۳: ۵۱۶). «اسلام

دین سیاست [است]. ... حکومت دارد، اسلام امامت دارد، خلافت دارد، پیامبر اسلام ﷺ حکومت تشکیل کرده بود؛ حضرت امیر حکومت داشت» (همان، ج ۶: ۴۴). در وصیت‌نامه خویش فرمودند:

قرآن کریم و سنت رسول الله ﷺ آن قدر که در حکومت و سیاست احکام دارند، در سایر چیزها ندارند، بلکه بسیاری از احکام عبادی اسلام، عبادی-سیاسی است که غفلت از آنها این مصیبت‌ها را به بار آورده. پیغمبر اسلام ﷺ تشکیل حکومت داد مثل سایر حکومت‌های جهان، لکن با انگیزه بسط عدالت اجتماعی (همان، ج ۲۱: ۴۰۶).  
سنت و رویه پیغمبر اکرم ﷺ دلیل بر لزوم تشکیل حکومت است؛ زیرا اولاً خود تشکیل حکومت داد...، ثانیاً برای پس از خود به فرمان خدا تعیین حاکم کرده است. ... بدیهی است ضرورت اجرای احکام که تشکیل حکومت رسول اکرم ﷺ را لازم آورده، منحصر و محدود به زمان آن حضرت نیست؛ و پس از رحلت رسول اکرم ﷺ نیز ادامه دارد (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ۲۴).

«امام تحقق اسلام ناب را فقط در پرتو حاکمیت اسلام امکان‌پذیر می‌دانستند... و جمهوری اسلامی را مظهر و زمینه‌ساز حاکمیت اسلام می‌دانستند و به همین علت حفظ نظام اسلامی را واجب‌ترین واجبات اعلام کرده‌اند» (بیانات امام خامنه‌ای دامت‌الله در بیست و یکمین سالگرد رحلت امام خمینی ره، ۱۳۸۹/۳/۱۴).

پاسداری از ارزش‌های اسلامی و الهی، از دیگر اصول و آرمان‌های امام بود. امام ولایت فقیه را پاسدار این ارزش‌های الهی و در راستای ولایت رسول الله ﷺ می‌دانستند؛ چنان‌که فرمودند: «قضیه ولایت فقیه یک چیزی نیست که مجلس خبرگان ایجاد کرده باشد؛ ولایت فقیه یک چیزی است که خدای تبارک و تعالی درست کرده است؛ همان ولایت رسول الله ﷺ هست» (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۰: ۳۰۸). رهبر انقلاب در این زمینه فرمودند:

شاخص مهم دیگر مکتب سیاسی امام بزرگوار ما، پاسداری از ارزش‌هاست که مظهر آن را امام بزرگوار در تبیین مسئله ولایت فقیه روشن کردند. ... پاسداری و دیده‌بانی حرکت کلی نظام به سمت هدف‌های آرمانی و عالی‌اش، مهم‌ترین و اساسی‌ترین نقش ولایت فقیه است. ... این مسئولیت بسیار حساس و مهم، به نوبه خود، هم از

معیارها و ضابطه‌های دینی و هم از رأی و خواست مردم بهره می‌برد؛ یعنی ضابطه‌های رهبری و ولایت فقیه، طبق مکتب سیاسی امام بزرگوار ما، ضابطه‌های دینی است. ... ضابطه عبارت است از علم، تقوا و درایت. علم، آگاهی می‌آورد؛ تقوا، شجاعت می‌آورد؛ درایت، مصالح کشور و ملت را تأمین می‌کند. اینها ضابطه‌های اصلی است برطبق مکتب سیاسی اسلام. ... رأی مردم تأثیر دارد، اما در چهارچوب این ضابطه (بیانات امام خامنه‌ای دامنه‌السلامه در مراسم پانزدهمین سالگرد رحلت امام خمینی علیه‌السلام، ۱۴/۳/۱۳۸۳).

۱۲. آرمان‌گرایی واقع‌بینانه و تقدم اهم بر مهم (آرمان‌خواهی توأم با موقعیت‌شناسی و توجه به مقتضیات زمان و مکان): آرمان‌گرایی بر بایدها و واقع‌بینی بر هست‌ها تأکید می‌کنند. آرمان‌گرایی پایبندی به اصول و ارزش‌ها و واقع‌بینی اتخاذ مجموعه‌ای از تدابیر و راهبردهای هوشمندانه و سنجیده باتوجه‌به واقعیت‌های موجود داخلی و خارجی است. آرمان‌گرای واقع‌بین کسی است که هم به اهداف و آرمان‌ها و هم به واقعیت‌های موجود واقف است و متأثر از هر دو مؤلفه، تصمیم صحیح را اتخاذ می‌کند. در واقع آرمان‌گرایی واقع‌بینانه، آرمان‌خواهی و حقیقت‌خواهی توأم با موقعیت‌شناسی است. تأکید امام خامنه‌ای بر سه اصل عزت، حکمت و مصلحت، ترکیب آرمان‌گرایی و واقع‌بینی است (فروتی، ۱۳۹۵). با نگاهی به سیره عملی امام خمینی علیه‌السلام می‌توان تلفیقی از آرمان‌گرایی و واقع‌بینی را در رویکرد امام به سیاست مشاهده کرد (خدادی، ۱۳۹۳). امام آرمانی می‌اندیشیدند، ولی برای رسیدن به این آرمان، واقع‌بینانه رفتار می‌کردند که البته واقع‌نگری ایشان با تردید و ترس تفاوت دارد (نیاکویی و بهمنش، ۱۳۹۱). بر همین اساس امام در قضیه حمله اسرائیل به لبنان در زمان جنگ تحمیلی، ضمن حفظ هدف و آرمان دفاع از ملت لبنان، بر دفاع از کشور اسلامی خود در برابر تهاجم عراق و عدم غفلت از موضوع جنگ تحمیلی تأکید فرمودند: «ما لبنان را از خود می‌دانیم، لکن مقدمه اینکه لبنان را ما نجات بدهیم این است که عراق را نجات بدهیم» (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۶: ۳۵۴). در جریان پذیرش قطعنامه ۵۹۸ نیز فرمودند: «ملت ما تا آن روز که احساس کرد که توان و تکلیف جنگ دارد، به وظیفه خود عمل نمود. ... آن ساعتی هم که مصلحت بقای انقلاب را در قبول قطعنامه دید و گردن نهاد، باز به

وظیفه خود عمل کرده است» (همان، ج ۲۱: ۲۸۴). به عبارت دیگر، تحول در شرایط، تحول در مواضع و راهبردها را طلب می‌کرد. این مسئله نمونه بارزی از آرمان‌گرایی و واقع‌بینی در سیاست و تصمیمات راهبردی امام راحل بود (فروتی، ۱۳۹۰: ۷۱).

۱۳. عقلانیت و مصلحت اسلام و مسلمین: قرآن به اهمیت عقل تصریح کرده و اسلام اساس شناخت، سعادت و نجات را عقل می‌داند. الفاظ و عباراتی چون یعقلون، یفقهون، یتفکرون، اولوالالباب و اولوالبصار که مربوط به تعقل و خردورزی است، بیش از ۸۱۱ بار در قرآن تکرار شده است (مسعودپور، ۱۳۸۶، ج ۱: ۱۸۹-۱۹۰).

عقلانیت مورد نظر امام، عقلانیت ارزشی و مبتنی بر ارزش‌های انسانی و اخلاقی بود. تعهد و التزام به آموزه‌های مکتب اسلام توأم با منطق عقلی ناب از سوی آن بزرگوار، نقش تعیین‌کننده‌ای در تصمیم‌گیری‌های ایشان در جهت تحقق اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی داشت (فروتی، ۱۳۸۷). رهبر انقلاب در این باره فرمودند:

من چند نمونه از مظهر عقلانیت امام عرض می‌کنم. اولین نمونه، همین‌گزینش مردم‌سالاری برای نظام سیاسی کشور بود؛ یعنی تکیه به آرای مردم. انتخاب مردم‌سالاری، یکی از مظاهر روشن عقلانیت امام در مکتب حیات‌بخش و نجات‌بخش او بود. ... امام بزرگوار ما از اولین قدم، انتخابات را در کشور نهادینه کرد. ... یک نمونه دیگر از عقلانیت امام و تکیه او به خرد و هوشمندی، عبارت است از سرسختی و عدم انعطاف او در مقابله با دشمن مهاجم. امام به دشمن اعتماد نکرد. بعد از آنکه دشمن ملت ایران و دشمن این انقلاب را درست شناخت، در مقابل او مثل کوه ایستاد. آن کسانی که خیال کردند و خیال می‌کنند عقل اقتضا می‌کند که انسان گاهی در مقابل دشمن کوتاه بیاید، امام درست نقطه مقابل این تصور حرکت کرد. عقلانیت امام و آن خرد پخته قوام‌یافته این مرد الهی، او را به این نتیجه رساند که در مقابل دشمن، کمترین انعطاف و کمترین عقب‌نشینی و کمترین نرمش، به پیشروی دشمن می‌انجامد. ... یک مظهر دیگر عقلانیت امام، تزریق روح اعتمادبه‌نفس و خوداتکایی در ملت بود. ... پیشرفت‌های ما در زمینه علمی، در زمینه صنعتی، در انواع و اقسام عرصه‌های زندگی، معلول همین اعتمادبه‌نفس است. ... یک مظهر دیگر، تدوین قانون اساسی بود. امام خبرگان ملت را از طریق انتخابات مأمور کرد که قانون اساسی را تدوین کنند. آن تدوین‌کنندگان قانون

اساسی، با انتخاب ملت این کار را انجام دادند. این جور نبود که امام یک جمع خاصی را بگذارد که قانون اساسی بنویسند. به عهده ملت گذاشته شد. ملت خبرگانی را با شناسایی خود، با معرفت خود انتخاب کردند و آنها قانون اساسی را تدوین کردند. بعد امام همین قانون اساسی را مجدداً در معرض آرای مردم قرار داد و فراندوم قانون اساسی در کشور تشکیل شد. این، یکی از مظاهر عقلانیت امام است. ببینید پایه‌های نظام را امام این جور مستحکم کرد. هم از لحاظ حقوقی، هم از لحاظ سیاسی، هم از لحاظ فعالیت اجتماعی، هم از لحاظ پیشرفت‌های علمی، امام یک قاعده محکم و مستحکمی را به وجود آورد که بر اساس این قاعده می‌شود تمدن عظیم اسلامی را بنا نهاد. از جمله مسائلی که مظهر عقلانیت امام بزرگوار بود، این بود که ایشان به مردم تفهیم کرد که آنها صاحب و مالک این کشورند (بیانات امام خامنه‌ای علیه السلام در مراسم بیست و دومین سالگرد رحلت امام خمینی علیه السلام، ۱۴/۳/۱۳۹۰).

امام به دنبال امتزاج عقل‌گرایی و اخلاق‌گرایی (به‌عنوان دو پایه عمده سیاست خارجی) بودند و این‌گونه نبود که به بهانه اخلاق‌گرایی، اصول عقلانی را در سیاست خارجی نادیده بگیرند. از همین جهت است که در عین آرمان‌گرایی، به تأمین منافع ملی نیز اهمیت می‌دهد و این را در مقاطع مختلف نشان داده است (خدادی، ۱۳۹۳). امام در جریان دفاع مقدس نیز امر دفاع از کیان اسلام و کشور را یک امر عقلانی دانستند و پانزده بار بر آن تأکید کرده (فروتی، ۱۳۸۷)، فرمودند: «دفاع یک امری است که هم شرعاً واجب است بر همه و هم عقلاً» (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۶: ۳۹). «اینکه مسلمین از جان و مال و نوامیس خود دفاع کنند، این را هم خدا و هم عقل و هم شرع اجازه می‌دهد» (همان: ۴۹۰). یکی دیگر از اصول مهم سیاست امام، رعایت مصلحت اسلام و مسلمین بود؛ چنان‌که امام در تبیین دلایل پذیرش قطعنامه ۵۹۸ به این اصل استناد کردند: «تصمیم امروز فقط برای تشخیص مصلحت بود» (همان، ج ۲۱: ۹۵). «خدا می‌داند اگر نبود انگیزه‌ای که همه ما و عزت و اعتبار ما باید در مسیر مصلحت اسلام و مسلمین قربانی شود، هرگز راضی به این عمل نمی‌بودم و مرگ و شهادت برایم گواراتر بود» (همان: ۹۲). امام همچنین در جریان عزل آقای منتظری از قائم‌مقام رهبری فرمودند: «با دلی پر خون حاصل عمرم را برای مصلحت نظام و اسلام کنار گذاشتم» (همان: ۳۵۰).



۱۴. مردم‌سالاری دینی و تکریم و خدمت به مردم: مبانی فکری و اعتقادی حضرت امام بر مبنای تکریم و تعظیم «مردم» بود. امام بر این باور بودند که مردم در همه اصول و همه فروع باید نقش داشته باشند و متولیان امور، خود را خدمتگزار مردم بدانند و اساساً حفظ نظام اسلامی را مرهون همراهی و حمایت بی دریغ مردم می‌دانستند و در وصیت‌نامه خویش فرمودند: «باید همه خدمتگزار ملت و خصوصاً مستضعفان باشید و ایجاد مزاحمت برای مردم و مخالف و وظیفه عمل کردن حرام و خدای نخواستگه گاهی موجب غضب الهی می‌شود. همه شما به پشتیبانی ملت احتیاج دارید». همچنین فرمودند: «اینجا آرای ملت حکومت می‌کند. اینجا ملت است که حکومت را در دست دارد و این ارگان‌ها را ملت تعیین کرده است و تخلف از حکم ملت برای هیچ‌یک از ما جایز نیست و امکان ندارد» (همان، ج ۱۴: ۱۶۵). رهبر انقلاب در این باره فرمودند:

شاخص دوم [مکتب امام]، اعتقاد راسخ و صادقانه به نقش مردم است؛ هم کرامت انسان، هم تعیین‌کننده بودن اراده انسان. در مکتب سیاسی امام، هویت انسانی، هم ارزشمند و دارای کرامت است هم قدرتمند و کارساز است. نتیجه ارزشمندی و کرامت داشتن این است که در اداره سرنوشت بشر و یک جامعه، آرای مردم باید نقش اساسی ایفا کند. لذا مردم‌سالاری در مکتب سیاسی امام بزرگوار ما که از متن اسلام گرفته شده است مردم‌سالاری حقیقی است (بیانات امام خامنه‌ای دامنه‌ای در مراسم پانزدهمین سالگرد رحلت امام خمینی علیه‌السلام، ۱۴/۳/۱۳۸۳).

امام خمینی علیه‌السلام با اعتقاد به اینکه «میزان رأی مردم است»، فرمودند: «در ایران اسلامی مردم تصمیم‌گیران نهایی تمامی مسائل اند» (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۶: ۲۶۶). امام خمینی علیه‌السلام همچون مولای خود، علی علیه‌السلام، به جایگاه رهبری صرفاً به‌عنوان ابزاری جهت خدمت به مردم و ادای تکلیف می‌نگریستند و بارها فرمودند:

من خادم شما هستم؛ من خادم ملت شما هستم (همان، ج ۶: ۶۱)

اگر به من بگویند خدمتگزار، بهتر از این است که بگویند رهبر. رهبری مطرح نیست؛ خدمتگزاری مطرح است. اسلام ما را موظف کرده که خدمت بکنیم (همان، ج ۱۰: ۴۶۳).

شما بدانید که لحظه‌لحظه عمر من، در راه عشق مقدس خدمت به شما می‌گذرد (همان، ج ۲۱: ۹۵).

امام به مسئولان هم خدمت به مردم را تأکید فرمودند: «تشریفات را کم کنید و این ملت را خدمتگزار باشید» (همان، ج ۱۹: ۳۷۷). «حکومت‌ها خدمتگزار باید باشند. اگر از خدمتگزاری تخلف بکنند، خلاف موازین اسلام است» (همان، ج ۱۱: ۲۶۵).

۱۵. صدور انقلاب برای بیداری اسلامی و گسترش اسلام: مقصود امام از صدور انقلاب، صدور پیام‌های معنوی اسلام به مردم دیگر کشورها بود. به تعبیر رهبر انقلاب، «صدور انقلاب یعنی صدور فرهنگ انسان‌ساز اسلام و صدور صفا و خلوص و تکیه و اصرار بر ارزش‌های انسانی. ما به این کار و انجام این وظیفه افتخار می‌کنیم. این راه انبیاست و ما این راه را باید ادامه دهیم» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۴: ۲۴۴-۲۴۷). (از شاخص‌های مکتب سیاسی امام، نگاه بین‌المللی و جهانی این مکتب است. مخاطب امام در سخن و ایده سیاسی خود، بشریت است؛ نه فقط ملت ایران. ... مکتب سیاسی امام این خیر و استقلال و عزت و ایمان را برای همه امت اسلامی و همه بشریت می‌خواهد. این رسالتی است بر دوش یک انسان مسلمان) (بیانات امام خامنه‌ای رحمته‌الله علیه در مراسم پانزدهمین سالگرد رحلت امام خمینی رحمته‌الله علیه، ۱۳۸۳/۳/۱۴). امام از هر فرصتی برای صدور انقلاب و گسترش اسلام استفاده می‌کردند. نامه تاریخی امام به گورباچف و دعوت از ایشان برای مطالعه در اسلام، از جمله اقدامات امام در این راستاست. امام فرمودند: «ما انقلاب را به تمام جهان صادر می‌کنیم؛ چراکه انقلاب ما اسلامی است» (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۲: ۱۴۸). «مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست. انقلاب مردم ایران، نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت - ارواحنا فداه - است» (همان، ج ۲۱: ۳۲۷). امام تلاش برای بیداری اسلامی در سایر ملت‌ها را جزو وظایف و تکلیف شرعی می‌دانستند (همان، ج ۱۷: ۳۰۹ و ج ۲۱: ۸۹) و لذا فرمودند: «باید مسلمین بیدار بشوند؛ باید از این خوابی که سیصد سال آنها را خواب کردند هشیار بشوند» (موسوی خمینی، ۱۳۸۶ ب: ۲۰۸). بزرگ‌ترین هدف امام از صدور انقلاب اسلامی و بیداری مسلمانان، عالم‌گیر شدن اسلام ناب محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و تشکیل حکومت جهانی اسلام بود؛ چنان‌که فرمودند: «من به‌صراحت اعلام می‌کنم که جمهوری اسلامی ایران، با تمام وجود برای احیای هویت

اسلامی مسلمانان در سراسر جهان سرمایه‌گذاری می‌کند و دلیلی هم ندارد که مسلمانان جهان را به پیروی از اصول تصاحب قدرت در جهان دعوت نکند و جلو جاه‌طلبی و فزون‌طلبی صاحبان قدرت و پول و فریب را نگیرد» (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲۱: ۹۱).

۱۶. روشنگری، تنویر افکار عمومی و بیداری ملت‌ها: امام بر بیان حقایق و روشنگری برای بیداری افکار عمومی ملت‌ها تأکید فراوان داشتند و آن را یک وظیفه و تکلیف الهی می‌دانستند (همان، ج ۱۷: ۳۰۹) و خود در این زمینه پیش قدم بودند؛ چنان‌که در راستای افشای ماهیت امریکا در جریان جنگ تحمیلی فرمودند:

امریکا دشمن شماره یک مردم محروم و مستضعف جهان است. امریکا برای سیطره سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و نظامی خویش بر جهان زیرسلطه، از هیچ جنایتی خودداری نمی‌نماید. امریکا مردم مظلوم جهان را با تبلیغات وسیعش که به‌وسیله صهیونیسم بین‌المللی سازمان‌دهی می‌گردد استثمار می‌نماید. امریکا با ایادی مرموز و جنایتکارش چنان خون مردم بی‌پناه را می‌مکد که گویی در جهان هیچ‌کس جز او و اقمارش حق حیات ندارند. ایران که خواسته است از هر جهت با این شیطان بزرگ قطع رابطه کند، امروز گرفتار جنگ‌های تحمیلی است. امریکا عراق را وادار نموده است خون جوانان ما را بریزد و سایر کشورهای تحت نفوذش را وادار نموده است تا ما را با حصر اقتصادی از پای درآورد. ... ملت‌های مسلمان باید بدانند که ایران کشوری است که رسماً با امریکا می‌جنگد (همان، ج ۱۳: ۲۱۲).

درباره انتشار کتاب آیات شیطانی از سوی سلمان رشدی که بعد از پذیرش قطعنامه

۵۹۸ اتفاق افتاد، فرمودند:

آنان که هنوز بر این باورند و تحلیل می‌کنند که باید در سیاست و اصول و دیپلماسی خود تجدیدنظر نماییم و ما خامی کرده‌ایم...، اگر ما واقع‌گرایانه عمل کنیم، آنان با ما برخورد متقابل انسانی می‌کنند و احترام متقابل به ملت ما و اسلام و مسلمین می‌گذارند، این یک نمونه است که خدا می‌خواست پس از انتشار کتاب کفرآمیز آیات شیطانی در این زمان اتفاق بیفتد و دنیای تفرعن و استکبار چهره واقعی خود را در دشمنی دیرینه‌اش با اسلام برملا سازد تا ما از ساده‌اندیشی به درآییم و همه‌چیز را به حساب اشتباه و سوءمدیریت و بی‌تجربگی نگذاریم و با تمام وجود

درک کنیم که مسئله اشتباه ما نیست، بلکه تعمد جهان‌خواران به نابودی اسلام و مسلمین است (همان، ج ۲۱: ۲۹۱).

همه ترس استکبار از همین مسئله است که فقه و اجتهاد جنبه عینی و عملی پیدا کند و قدرت برخورد در مسلمانان به وجود آورد (همان: ۲۹۰-۲۸۹).

امام ماهیت آزادی دموکراسی غربی را چنین افشا کردند: «در دنیای به اصطلاح آزاد، الزام زنان و دختران مسلمان به رفع حجاب، عین دموکراسی است و فقط ما که گفته‌ایم کسی که به پیغمبر اسلام ﷺ توهین کند و اجماع فقهای مسلمین فتوا به اعدام آن می‌دهند، خلاف آزادی است. ... تفسیر و تأویل آزادی و استفاده از آن در اختیار کسانی است که با اساس آزادی مقدس مخالف‌اند» (همان: ۳۲۸).

۱۷. قاطعیت در دفاع از اصول و آرمان‌ها: امام خمینی علیه السلام در دفاع از اصول و آرمان‌های انقلاب با کسی تعارف نداشتند؛ چنان‌که با وجود درکی که امام از حساسیت شرایط کشور و لزوم حمایت و دفاع از دولت موقت برای کسب اقتدار لازم و پایداری مبانی نظام اسلامی داشتند، جایی که احساس می‌کردند این حمایت ممکن است به بهای کوتاه آمدن از آرمان و اصول انقلاب تمام شود، با قاطعیت به دفاع از آرمان‌ها می‌پرداختند. دو نمونه بارز آن برخورد قاطع حضرت امام با قضیه کردستان بعد از موضع‌گیری ضعیف دولت موقت و نیز عکس‌العمل ایشان درباره عنوان نظام اسلامی بود. در بحبوحه مباحث مربوط به رفراندوم و عنوان برای نظام، در عکس‌العمل به مطرح کردن عنوان جمهوری دموکراتیک اسلامی از سوی بازرگان، امام در دفاع از آرمان اصلی انقلاب که تشکیل جمهوری اسلامی بود و جزو شعارهای اصلی مردم هم محسوب می‌شد فرمودند:

همه درد و بدی ما این است که ما غرب‌زده هستیم. ما سال‌های طولانی زیر بار غرب بودیم؛ زیر بار امریکا بودیم...؛ شما حالا می‌خواهید بگویید روی پای خودتان می‌خواهیم بایستیم. باز هم رنگ غربی؟ ... باز هم جمهوری دموکراتیک؟ یعنی جمهوری غربی؟ (همان، ج ۶: ۳۳۱).

آنها که می‌خواهند کلمه دموکراتیک را بر این عبارت اضافه کنند، آنها غرب‌زدگانی هستند که نمی‌فهمند چه می‌گویند (همان: ۳۶۱).

همچنین در مقابل جریان‌ات انحرافی، بعد از اینکه از طریق ارشاد و نصیحت نتیجه‌ای حاصل نشد، قاطعانه اعلام فرمودند: «با این‌گونه مخالفت‌های با اسلام، برخورد شدید خواهد شد» (همان، ج ۱۴: ۱۹۴).

۱۸. استقامت و پایداری و سازش‌ناپذیری: یکی از آفت‌های آرمان‌سوز در مبارزات سیاسی، کشاندن ناعادلانه یکی از طرف‌ها به سازش و منصرف ساختن او از اصول و آرمان‌هایی است که با وعده یا تطمیع بر سر مسائل جانبی و کم‌اهمیت فدا می‌شوند (مسهودپور، ۱۳۸۶، ج ۲: ۳۸۲). امام موضوع سازش با دشمن را منتفی دانستند: «کسی تصور نکند که ما راه سازش با جهان‌خواران را نمی‌دانیم، ولی هیئات که خادمان اسلام به ملت خود خیانت کنند. ... آن چیزی که در سرنوشت روحانیت واقعی نیست، سازش و تسلیم شدن در برابر کفر و شرک است» (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲۱: ۹۸) و در مقابل پیشنهاد تسلیم و سازش ناعادلانه با آمریکا و صدام قاطعانه فرمودند: «اینهایی که می‌گویند باید سازش کرد، اینها می‌فهمند که ما اگر سازش کنیم، له می‌شویم؟» (همان، ج ۲۰: ۲۷۱). «ملت ایران اگر می‌خواست صلح امریکایی بکند، همان اول از امریکا جدا نمی‌شد و قطع روابط نمی‌کرد. ... آنها صلح امریکایی می‌خواهند» (همان، ج ۱۸: ۶۸-۶۹). «ابداً قضیه صلح و قضیه سازش در کار نیست. ما اصلاً مذاکرات نمی‌کنیم با اینها» (همان، ج ۱۳: ۲۵۱-۲۵۲). تجربه تاریخ انبیا و رهبران الهی، پیروزی بر پایه استقامت است (مسهودپور، ۱۳۸۶، ج ۲: ۳۱۵). امام راحل بارها مردم و نیروهای مسلح را دعوت به مقاومت کردند:

«فاستقم كما امرت ومن تاب معك»<sup>۱</sup> ... مقاومت یکی از اموری است که دنبال هر

انقلابی باید باشد (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۶: ۳۰۰-۳۰۱).

از مردم عزیز ایران و نیروهای نظامی و انتظامی می‌خواهم تا با صبر و شکیبایی انقلابی و با قدرت و استقامت، در مقابل توطئه‌های استکبار جهانی ایستادگی نمایند (همان، ج ۲۱: ۵۷).

باید برای شکستن امواج طوفان‌ها و فتنه‌ها... به سلاح پولادین صبر و ایمان مسلح شویم (همان: ۱۹۴).

اگر ما یک قدم عقب بنشینیم، آنها صد قدم جلو می‌آیند. ما محکم باید در مقابل اینها بایستیم (همان، ج ۱۷: ۴۷۸).

ما برای اسلام قیام کردیم و برای اسلام هم تحمل می‌کنیم. ... اینها ریشه‌هایی است که دنبال هر انقلابی هست و باید تحمل کرد و تحمل در این امر هم برای خداست (همان، ج ۱۴: ۳۱۴).

اگر خمینی یکه و تنها هم بماند، به راه خود که راه مبارزه با کفر و ظلم و شرک و بت‌پرستی است ادامه می‌دهد (همان، ج ۲۰: ۳۱۷-۳۱۹).

#### ۱۹. خودباوری، خودکفایی و قطع وابستگی: بر اساس آرمان استقلال که دو بعد

اصلی سیاسی و اقتصادی دارد، گفتمان عدم وابستگی در عرصه‌های اقتصادی و سیاسی مطرح می‌شود. قطع وابستگی در اسلام به‌عنوان یک ارزش مطرح است. بزرگان دین همواره به ترویج فرهنگ خوداتکایی و خودکفایی پرداخته‌اند. در روایات اسلامی به کار و فعالیت در جهت عدم وابستگی ارزش بسیار داده شده است (تفرشی و شفقت، ۱۳۹۶: ۵۶).  
براین اساس امام خمینی<sup>ع</sup> بر لزوم دستیابی دانشمندان، متخصصان داخلی، صنعتگران و کشاورزان به خودکفایی تأکید جدی داشته‌اند؛ چنان‌که فرمودند:

باید طبیب از خود ما باشد، مهندس از خود ما باشد، همه چیز از خود ما باشد. احتیاج به این نداشته باشیم که ما از خارج وارد کنیم (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۰: ۴۴۴).

تکلیف است برای کشاورزها... که ان‌شاءالله خودکفا بشویم و در سال‌های بعد صادرات داشته باشیم. اقتصادمان به خارج وابسته باشد، آن وقت یک روز می‌بینید که خارجی‌ها نمی‌خواهند چیزی به ما بدهند و وقتی در را بستند ما باید تسلیم آنها بشویم که هر چه می‌گویند عمل کنیم (موسوی خمینی، ۱۳۸۸ ب: ۷۸ و ۱۸۶).

این احتیاج به دشمن، تلخ‌ترین چیزهایی است که در ذائقه انسان باید باشد (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۰: ۴۴۲).

امام درباره خودباختگی در برابر غرب فرمودند:

بالاتر فاجعه‌ای که برای این ملت اتفاق افتاده است در این ظرف‌های طولانی، این است که فکرشان عوض شده است. فکرشان، توجهشان همه به این است که ما

خودمان چیزی نداریم؛ از خارج باید بیاید. اینها باید علاج بشود، به آنها فهمانده بشود که ما خودمان همه چیز داریم، غرب به ما محتاج است نه ما به او (موسوی خمینی، ۱۳۸۸ ب: ۱۹۶).

از هر امری که شائبه وابستگی با همه ابعادی که دارد به طور قاطع احتراز نمایید و باید بدانید که وابستگی در بعضی امور هر چند ممکن است ظاهر فریبنده‌ای داشته باشد یا منفعت و فایده‌ای در حال داشته باشد، لکن در نتیجه ریشه کشور را به تباهی خواهد کشید (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲۱: ۴۲۷).  
در هیچ شرایطی از تقویت نیروهای مسلح و... خصوصاً حرکت به طرف خودکفایی نظامی غفلت نکنند (همان: ۳۵۷).

من به شما اطمینان می‌دهم که اگر تا یک مدتی ما در این فشارها باشیم، ایران بیشتر ثبات پیدا می‌کند و مغزهای متفکر مکتبی ایران، بیشتر به کار می‌افتند و ایران را خودکفا می‌کنند (همان، ج ۱۶: ۱۰۴).

رهبر در این باره فرمودند: «این شعار "ما می‌توانیم" را امام بزرگوار در اعماق جان این ملت قرار داد» (بیانات امام خامنه‌ای عنه‌السلام در مراسم بیست و دومین سالگرد رحلت امام خمینی عنه‌السلام، ۱۳۹۰/۳/۱۴).

۲۰. خودسازی، تهذیب نفس و امر به معروف و نهی از منکر: امام درباره تهذیب نفس

فرمودند:

آن چیزی که در رأس همه امور است، برای همه ماها اول تهذیب نفس است و در خلال او تهذیب مردم است. اگر انسان خودش مهذب نباشد، نمی‌تواند دیگران را تهذیب کند. حرف اثر ندارد. ... اساس همه مسائلی که انحرافی است، این عدم تهذیب است (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۵: ۵۰۵-۵۰۶).

علم و تهذیب نفس است که انسان را به مقام انسانیت می‌رساند (همان، ج ۱۸: ۴۰۵).  
هر چه می‌توانید مردم و جوانان را تهذیب کنید، متوجه سازید که وقتی برای اسلام کار می‌کنیم، باید به طور مهذب باشد که اگر خدای نخواستہ کارها با خودخواهی و غرور همراه باشد، مبدأ شکست انسان است (همان، ج ۱۹: ۲۲۱).

امام علاوه بر خودسازی، بر دیگرسازی نیز اهتمام داشتند و لذا فرمودند امر به معروف و نهی از منکر شرعاً و عقلاً از مهم‌ترین واجبات است. ... کتاب و سنت، دو منبع اصلی اسلام،

درباره این دو واجب الهی بیشترین تأکید و سفارش‌ها را کرده و سیزده آیه در قرآن مجید به‌صراحت به آن اشاره دارد. امام خمینی علیه السلام علاوه بر تهذیب نفس خویش، در برابر جامعه نیز احساس مسئولیت می‌کردند و امر به معروف و نهی از منکر را برای اصلاح جامعه ضروری می‌دانستند و معتقد بودند همان‌طور که هر شخصی موظف است که خود را اصلاح کند، موظف است که دیگران را هم اصلاح کند (همان، ج ۱۰: ۱). براین اساس بارها در داخل خطاب به مسئولان از جمله بنی‌صدر (موسوی خمینی، همان، ج ۱۴: ۱۹۲، ۶۶۲ و ۴۹۲) و آقای منتظری (همان، ج ۲۱: ۳۳۴-۳۳۵) و در خارج خطاب به دولت‌ها و حکومت‌های منطقه امر به معروف و نهی از منکر کردند و فرمودند: «خودتان و کشور و مردم اسلامی را در برابر امریکا این قدر ذلیل و ناتوان نکنید. اگر دین ندارید، لااقل آزاده باشید» (همان، ج ۲۱: ۹۰).

**۲۱. قانون‌گرایی و پایبندی به تعهدات:** قانون‌گرایی از نظر امام به قدری اهمیت دارد که در کتاب ولایت فقیه خود می‌نویسند: «چون حکومت اسلام، حکومت قانون است، برای زمامدار علم به قوانین لازم می‌باشد... حاکم در حقیقت قانون است. همه در امان قانون‌اند؛ در پناه قانون اسلام‌اند» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ۳۷ و ۵۳). امام در مقابل دخالت‌های بنی‌صدر در چهارچوب اختیارات دیگران، همه را به پیروی از قانون اساسی و عمل در چهارچوب اختیارات قانونی خود فراخواندند: «معیارها در اعمال نهادها قانون اساسی است و تخلف از آن برای هیچ‌کس جایز نیست» (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۴: ۲۰۱). همچنین بعد از تشکیل مجلس شورای اسلامی با واگذاری امر گروگان‌ها به این نهاد قانونی فرمودند: «این امر را محول به مجلس اسلامی نموده‌ام تا آنان به هر نحو که صلاح می‌دانند عمل نمایند» (همان، ج ۱۳: ۲۱۳-۲۱۴). یکی دیگر از اصول امام، پایبندی به تعهدات بود؛ چنان‌که بر اساس این اصل اسلامی بر پایبندی کشور به قطعنامه ۵۹۸ تأکید کردند: «ما در چهارچوب قطعنامه ۵۹۸ به صلحی پایدار فکر می‌کنیم و این به هیچ‌وجه تاکتیک نیست» (همان، ج ۲۱: ۱۰۱) «و هرگز پیش‌قدم در تضعیف آن نخواهیم بود» (همان: ۱۳۴)؛ ولی وقتی صدام تعهدات خود را با نقض آتش‌بس و حمله مجدد زیر پا نهاد، قاطعانه امر به دفاع و دشمن را وادار به عقب‌نشینی کردند (فروتنی، ۱۳۹۰: ۷۲-۷۳).



۲۲. **تبدیل تهدید به فرصت:** تبدیل تهدید به فرصت، مدیریت حساب شده تهدیدها به منظور استفاده از آن به نفع نظام است. امام در راستای تبدیل تهدید به فرصت کوشیدند جنگ تحمیلی را نه تنها به فرصتی برای حفظ و تثبیت پایه‌های انقلاب اسلامی، بلکه به فرصتی برای افشای ماهیت امریکا و حکومت‌های وابسته و بیداری ملت‌ها تبدیل کنند (فروتی، ۱۳۹۵). همچنین تحریم‌ها را منشأ تحرک و فعالیت و تلاش بیشتر دانستند و بر ضرورت قطع وابستگی در مایحتاج کشور به بیگانگان و نیز خودکفایی نظامی، صنعتی و کشاورزی تأکید کردند (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۳: ۲۴۷ و ج ۲۱: ۳۵۷ و ۴۱۷) و فرمودند: «وقتی همه درها بسته شود، فکرها باز می‌شود و فعالیت‌ها آغاز» (همان، ج ۱۶: ۲۷۰). «با اراده مصمم و فعالیت و پشتکار خود به رفع وابستگی‌ها قیام کنید» (همان، ج ۲۱: ۴۱۷).

۲۳. **مشاوره:** مشورت در تصمیم‌گیری یکی از اصول مهم و ارزشی در سیاست امام خمینی علیه السلام است. برای مثال حضرت امام در نه مورد تأکید کردند که انتخاب آقای بازرگان با پیشنهاد و تصمیم جمعی اعضای شورای انقلاب صورت گرفته و یک تصمیم فردی نبوده است (فروتی، ۱۳۸۷). در حکم انتصاب دولت موقت نیز صراحتاً به این مسئله اشاره فرمودند: «بنا به پیشنهاد شورای انقلاب... آقای بازرگان را مأمور تشکیل دولت موقت می‌نمایم» (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۶: ۵۴). همچنین در جریان پذیرش قطعنامه ۵۹۸ نیز فرمودند: «باتوجه به نظر تمامی کارشناسان سیاسی و نظامی سطح بالای کشور... با قبول قطعنامه و آتش بس موافقت نمودم» (همان، ج ۲۱: ۹۲).

### نتیجه‌گیری

یکی از زمینه‌های مهم مطالعاتی که مورد مطالبه رهبر است و به دلیل دامنه تأثیر آن، از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است، تبیین اصول حاکم بر سیاست اسلامی امام خمینی علیه السلام است که هدف پژوهش حاضر بود.

به منظور پاسخ به سؤال تحقیق، اصول حاکم بر سیاست اسلامی امام خمینی علیه السلام با روش علمی تحلیل محتوای کیفی استخراج و ۲۳ اصل حاکم بر سیاست اسلامی امام خمینی علیه السلام شناسایی و تبیین شد که عبارت‌اند از: عمل به تکلیف الهی با اعتقاد به احدی الحسنین؛

اتکال به خدا و اعتماد به نصرت الهی؛ حفظ اتحاد و برادری با مسلمانان؛ حفظ اسلام و تحقق فقه عملی اسلام؛ اعتقاد عملی به اسلام ناب محمدی و نفی اسلام امریکایی؛ قیام برای خدا و معنویت و اخلاص در عمل؛ عدالت اجتماعی؛ نفی ستمگری و ستم‌پذیری (نفی رابطه ظالمانه و ایجاد رابطه انسانی)؛ استکبارستیزی و نفی سلطه بیگانه و دفاع از حقوق مظلومان و مستضعفان (عزت‌جویی و ذلت‌ناپذیری)؛ حفظ استقلال و آزادی و عدم وابستگی به شرق و غرب؛ پیوند دین و سیاست و پاسداری از ارزش‌ها؛ آرمان‌گرایی واقع‌بینانه و تقدم اهم بر مهم؛ عقلانیت و مصلحت‌اندیشی؛ مردم‌سالاری دینی و تکریم و خدمت به مردم؛ صدور انقلاب برای بیداری اسلامی و گسترش اسلام؛ روشنگری و تسویر افکار عمومی؛ قاطعیت در دفاع از اصول و آرمان‌ها؛ استقامت و پایداری و سازش‌ناپذیری؛ خودباوری و خودکفایی و قطع وابستگی؛ خودسازی و تهذیب نفس و امر به معروف و نهی از منکر؛ قانون‌گرایی و پایبندی به تعهدات؛ تبدیل تهدید به فرصت؛ مشاوره (جدول ۱). نتایج این تحقیق در زمینه اصول عدالت، آزادی و استقلال با نتایج تحقیقات فوزی تویسرکانی (۱۳۹۰) و جمشیدی (۱۳۸۴) و در مورد اصول رابطه دین و سیاست، خداباوری، ظلم‌ستیزی، نفی سبیل، امر به معروف و نهی از منکر، عزت‌جویی و تکریم مردم، حمایت از مستضعفان، مقابله با متحجرین و حفظ وحدت با نتایج تحقیق بروجردی (۱۳۹۷) همخوانی دارد. همچنین درباره اهتمام امام خمینی علیه السلام به اصل عدالت اجتماعی با نتایج تحقیق ایران‌نژاد و همکاران (۱۳۹۱) مطابقت دارد. نتایج تحقیق مذکور نشان می‌دهد که حضرت امام در سیره عملی خود اهتمام خاصی به تحقق عدالت اجتماعی داشتند و ضمن رعایت آن در رفتارهای فردی و حکومتی خود، توجه به آن را یکی از مطالبات جدی و همیشگی خود از مسئولان حکومتی می‌دانستند. همچنین نتایج این تحقیق با نتایج تحقیق مندرج در ماهنامه امید انقلاب (۱۳۸۵) که نشان می‌دهد اصول تکلیف، مصلحت اسلام و مسلمین، دعوت و گسترش اسلام، نفی سبیل، تقدم اهم بر مهم، عدالت و توجه به مقتضیات زمان و مکان، جزو اصول ثابت حاکم بر اندیشه سیاسی امام خمینی علیه السلام هستند، مطابقت دارد.

اصول عمل به تکلیف الهی در کنار اعتقاد به احدی الحسینین، عمل به تکلیف بدون توجه به نتیجه آن، اتکال به خدا و نصرت الهی، قیام برای خدا، ظلم‌ستیزی، سازش‌ناپذیری و دیگر اصول امام موجب گردید ایشان در سخت‌ترین و بحرانی‌ترین شرایط در کمال آرامش و اطمینان خاطر تصمیم بگیرند و اقدام کنند. تغییر مفهوم شکست و پیروزی در سایه عمل به تکلیف الهی، یکی از اصول مهم سیاست و رهبری امام خمینی علیه السلام است که بارها در کلام ایشان تکرار شد. آرامش امام در موقعیت‌های مخاطره‌آمیز و در عرصه تصمیم‌گیری‌های خطیر، ریشه در اعتقاد عمل به تکلیف و اتکال بر خداوند متعال و اعتماد به نصرت پروردگار دارد. امام بر اساس آرمان استقلال‌گفتمان عدم وابستگی و خودکفایی را در عرصه‌های اقتصادی و سیاسی مطرح کردند. ایشان بر اصل احیای اسلام و ارزش‌های اسلامی اهتمام جدی داشتند. براین اساس، خدمت به مردم، عزت‌طلبی، ذلت‌ناپذیری، نفی سلطه بیگانگان، شهادت، ایثار، حماسه و جهاد از ارزش‌هایی بودند که در قالب رهبری حکیمانه امام فرصت ظهور و بروز یافتند. اصل روشنگری و تنویر افکار عمومی، از دیگر اصول امام بود که موجب بقا و تثبیت نظام در ایران و صدور ارزش‌های انقلاب و بیداری ملت‌ها شد. همچنین امام با عمل به اصل تبدیل تهدید به فرصت، با هدف بسیج ملت‌های مسلمان علیه جبهه ظلم و استکبار جهانی، از تهدیدها به‌ویژه تهدید ناشی از جنگ تحمیلی، به‌عنوان زمینه و بستری برای ایجاد اتحاد، انسجام و برادری بین امت‌های مسلمان استفاده کردند.

امام مقتضیات و شرایط موقعیتی را در عین التزام به اهداف و اصول اعتقادی لحاظ می‌کردند و یک آرمان‌گرای واقع‌بین بودند. آرمانی می‌اندیشیدند، ولی برای رسیدن به این آرمان، واقع‌بینانه رفتار می‌کردند و مقتضیات زمانی و مکانی را در نظر می‌گرفتند. اصل عدالت نیز در مکتب سیاسی امام بسیار برجسته است؛ به‌طوری‌که از اول انقلاب به مسئولان فرمودند به طبقات محروم برسند و از اشرافیگری بپرهیزند. امام معتقد بودند عهده‌دار شدن حکومت، وسیله‌ای برای برقراری نظام عادلانه اسلام است.

بر اساس نتایج حاصل از یافته‌های تحقیق، نوع اصول مستخرج از کلام امام کاملاً بر اصول و مبانی اسلام منطبق است و لذا می‌توان گفت که سیاست امام، عین دیانت امام بود.

در مکتب سیاسی امام، معنویت با سیاست و قدرت با اخلاق در هم تنیده است و اصول اساسی مبتنی بر آموزه‌های مکتب راستین اسلام، چراغ راه امام در سیاست و رهبری انقلاب اسلامی بود؛ چنان‌که رهبر معظم انقلاب (۱۳۸۱) نیز این امر را تأیید کردند: «اصول امام، اصول اسلامی است؛ عدالت امام، عدالت اسلامی است؛ مردم‌سالاری امام، مردم‌سالاری اسلامی است»؛ «حرف نوی مکتب سیاسی امام بزرگوار ما برای دنیا این است که در همه ارکان برنامه‌ریزی‌های یک قدرت سیاسی، سیاست با معنویت و قدرت با اخلاق همراه شود و اصول اخلاقی مورد مراعات قرار گیرد» (بیانات امام خامنه‌ای دامنه‌ای در مراسم پانزدهمین سالگرد رحلت امام خمینی علیه‌السلام، ۱۳۸۳/۳/۱۴). به عبارت دیگر می‌توان نتیجه گرفت فرهنگ اسلامی، زیربنا و روح اصلی اصول سیاست امام خمینی علیه‌السلام را تشکیل می‌دهد. بدیهی است این اصول مستخرج از کلام و سیره امام، به تشریح و تحلیل بیشتری نیاز دارند که به علت محدودیت در حجم این نوشتار، امکان پرداختن به همه آنها وجود ندارد. انجام دادن این تحقیق به علاقه‌مندان پیشنهاد می‌شود. همچنین پژوهشی با رویکرد تطبیقی در زمینه مقایسه اصول سیاست اسلامی امام خمینی علیه‌السلام با اصول سیاست مداران غربی توصیه می‌شود.

### کتابنامه

- ایران نژاد، ابراهیم و دیگران (زمستان ۱۳۹۱). «عدالت اجتماعی در اندیشه سیاسی امام خمینی علیه‌السلام»، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، س ۵، ش ۱، ۱۱۵-۱۳۵.
- ایمان، محمدتقی و محمودرضا نوشادی (پاییز و زمستان ۱۳۹۰). «تحلیل محتوای کیفی»، پژوهش، س ۳، ش ۲، ص ۱۵-۴۴.
- بروجردی، اشرف (۱۳۹۷). اصول اخلاق سیاسی امام خمینی علیه‌السلام، پرتال امام خمینی، ۱۳۹۷/۱/۱۹.
- بی‌نام (۱۳۹۳). نظریه اسلام ناب-اسلام امریکایی، از امام خمینی علیه‌السلام، تارهربر انقلاب، دسترسی در: <http://farsi.khamenei.ir/others-note?id=28500>، ۱۳۹۳/۱۰/۳.
- بی‌نام (تیر ۱۳۸۵). «اصول ثابت اندیشه سیاسی امام خمینی علیه‌السلام»، امید انقلاب، ش ۳۶۸.
- تفرشی، امیرعلی و ابوطالب شفقت (تابستان ۱۳۹۶). «تحلیل گفتمان خودکفایی در بیانات امام خمینی علیه‌السلام با تأکید بر بعد نظامی و دفاعی خودکفایی»، بهبود مدیریت، س ۱۱، ش ۲، پیاپی ۳۶، ص ۵۱-۸۳.
- جعفری، اصغر (۱۳۹۰). «خلاصه درس اصول علم سیاست-دکتر عنادی»، دسترسی در:

جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۴). اندیشه سیاسی امام خمینی، تهران، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.

حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۱). مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، تهران، سمت. خدادی، حسن (۱۳۹۳). «مبانی، اصول و راهبردهای سیاست خارجی از منظر امام خمینی»، دسترسی در: [www.basirat.ir/fa/news/267230](http://www.basirat.ir/fa/news/267230).

دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۱). درآمدی بر نظریه سیاسی امام خمینی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

رضایی، مجید و سیدمحمدعلی هاشمی (۱۳۹۱). «بازخوانی قاعده نفی سبیل با رویکردی به اندیشه‌های امام خمینی»، پژوهش‌نامه متین، س ۴، ش ۵۷، ص ۶۱-۸۶.

سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۸۰). «امام علی و اصول سیاست»، کتاب نقد، ش ۱۸، ص ۳۰-۴۹. فدوی بنده‌قرائی، احمد و ابراهیم تقی‌زاده (۱۳۹۱). «آزادی و جایگاه آن در اندیشه حقوق بشری امام خمینی»، مطالعات حقوق بشر اسلامی، س ۱، ش ۱، ص ۷۷-۹۸.

فروتنی، زهرا (۱۳۸۷). مبانی تصمیم‌گیری استراتژیک امام خمینی، تهران، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.

\_\_\_\_\_ (۱۳۹۵). «تحلیل سیاست دفاعی امام خمینی در دفاع مقدس»، مجله سیاست دفاعی، س ۲۴، ش ۷۹، ص ۸۱-۱۱۴.

\_\_\_\_\_ (تیر ۱۳۹۰). «اهداف، اصول و راهبردهای حاکم بر پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت (نگاهی نوبه ابعاد قطعنامه ۵۹۸)»، در: مجموعه مقالات دومین همایش قطعنامه ۵۹۸، ص ۳۷-۸۵.

فوزی توپسرکانی، یحیی (۱۳۹۰). اندیشه سیاسی امام خمینی، قم، دفتر نشر معارف. گزیده‌ای از بیانات امام خامنه‌ای علیه‌السلام در دیدار جمعی از فرماندهان سپاه و بسیج، ۱۳۷۲/۳/۲. مسعودپور، سیدعلی اکبر (۱۳۸۶). سیاست در قرآن، تهران، سازمان عقیدتی-سیاسی جمهوری اسلامی ایران، معاونت سیاسی، ج ۱ و ۲.

موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۸). ولایت فقیه، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

\_\_\_\_\_ (۱۳۷۹). صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

\_\_\_\_\_ (۱۳۶۸). وصیت‌نامه سیاسی-الهی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۶ الف). استضعاف و استکبار از دیدگاه امام خمینی: تبیان، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، دفتر چهلیم.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۶ ب). استکبار جهانی و شیطان بزرگ از دیدگاه امام خمینی: تبیان، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، دفتر سی‌ویکم.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۸ الف). امر به معروف و نهی از منکر: تبیان، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، دفتر بیست‌ویکم.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۸ ب). خودباوری و خودکفایی از دیدگاه امام خمینی: تبیان، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، دفتر بیست و یکم.

\_\_\_\_\_ (۱۳۹۱). تهذیب نفس و سیروسلوک از دیدگاه امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

\_\_\_\_\_ (۱۴۲۱ ق). کتاب البیع، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.  
نیاکویی، سیدامیر و حسین بهمنش (۱۳۹۱). «نسبت میان آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در اندیشه امام خمینی» با تأکید بر پذیرش قطعنامه ۵۹۸، پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی، دوره اول، ش ۳، ص ۱۶۹-۱۹۸.

Martin, Vanessa, (2007). *Creating An Islamic State: Khomeini and the Making of a New Iran*,  
First published: 2000, New York, I. B. Tauris.

Mortazavi Emami and et al. (2014). "Islamic Republic of Iran's Soft Power based on Quranic Teachings and Imam Khomeini's Discourse", *Erudite Journal of Social Science Research (EJSSR)*, v. 2 (1), p. 18-26.

[www.farsi.khamenei.ir](http://www.farsi.khamenei.ir)

